

فقر و خط فقر در استان یزد

پرنده امامی

چکیده:

در همه کشورهای جهان چه دارا و چه ندار، رشد و توسعه بعنوان هدف اقتصادی اساسی شناخته شده است. اما دستیابی به آن، بی داشتن الگوی توزیع درآمدی مناسب و کاهش فقر مطلق گسترده امکان پذیر نیست زیرا فقر عمومی یکی از شاخص های اساسی و عمده توسعه نیافتگی است. روشن است که بی دستیابی به اطلاعات کافی در مورد میزان و اهمیت فقر نمی توان از فقرزدایی سخن گفت و پیش از اجرای هر سیاست در زمینه فقرزدایی نخست باید شاخص های مناسب و مرتبط با آن را بررسی کرد.

در این نوشتار تلاش شده است برآوردی از خط فقر مطلق، شکاف فقر (شدت فقر) در سالهای ۱۳۷۸ (سال آغاز برنامه سوم توسعه) و ۱۳۸۱ (اواخر برنامه سوم توسعه) در سطح استان یزد و به تفکیک مناطق شهری و روستایی صورت گیرد. برای محاسبه خط فقر، معیار حداقل کالری مورد نیاز فرد یا خانوار در سه سناریوی متفاوت به کار گرفته شده است. نتایج این بررسی را به گونه فشرده چنین می توان برشمرد که:

۱- خط فقر مطلق در استان در سال های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ بر پایه سناریوی پیشنهادی سازمان های جهانی تغذیه و بهداشت به ترتیب در مناطق شهری ۱۶۸۰۹۵۵۹ و ۶۲۴۶۶۴۳۵ ریال و در مناطق روستایی ۱۰۳۸۰۸۷۰ و ۱۵۰۸۱۶۶۶ ریال در سال بوده است.

۲- سطح فقر در استان در سال های یاد شده به ترتیب در مناطق شهری ۵۲/۴ و ۵۷/۱ درصد جمعیت و در مناطق روستایی ۴۴ و ۵۰/۲ درصد جمعیت بوده است. به سخن دیگر، وضع فقر در استان در فاصله سال های یاد شده بدتر شده است.

۳- شدت فقر در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی استان بوده است که این نکته را می توان با توجه به شاخص سن و کاکوانی محاسبه شده، توجیه کرد. تورم فزاینده شهری را می توان یکی از دلایل اساسی این وضع دانست.

۴- برای از میان بردن فقر در خانوارهای زیر خط فقر مناطق شهری استان در سال های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ می بایست به ترتیب ۶۳۲۱۵۵۱ و ۹۶۱۶۴۸۱ ریال و در مناطق روستایی ۳۵۲۳۰۶۴ و ۵۱۶۷۴۸۲ ریال در سال به درآمد آنها افزوده شود تا به بالای خط فقر برسند.

۵- دستیابی به هدف مهمی چون بهبود رفاه عمومی، بهبود وضع اقشار آسیب پذیر و فقرزدایی از جامعه، در گرو شناخت عوامل مؤثر بر ایجاد فقر و شدت آن است و برای شناخت عوامل بومی و منطقه ای مؤثر بر پدیده فقر باید پژوهشهایی جدی و هدفمند انجام شود.

پیشگفتار

ایجاد رفاه اجتماعی بیشتر و توزیع عادلانه در آمد از موارد اساسی و مهم در سیاستهای هر دولت است. به طور کلی دو شاخص اقتصادی که برای نشان دادن میزان رفاه جامعه و افزایش آن به کار گرفته می شود، یعنی در آمد سرانه و رشد اقتصادی، کاستی هایی دارد. ممکن است توزیع در آمد به گونه ای باشد که حتی با وجود میانگین بالای در آمد سرانه، بسیاری از شهروندان از تأمین حداقل امکانات زندگی خود ناتوان باشند، یعنی این شاخص، توزیع در آمد را پیرامون میانگین داده شده در نظر نمی گیرد. به سخن دیگر، بالا بودن میانگین در آمد سرانه نمی تواند گویای توزیع عادلانه در آمد باشد.

مشکل دیگر این است که به هنگام مقایسه در آمد سرانه کشورهای، به علت تبدیل ارزش پولهای محلی به دلار امکان نشان دادن اختلاف های واقعی در قدرت خرید پولها وجود ندارد. همچنین اعمال کنترلها و وضع تعرفه گمرکی حمایتی برای محصولات صنعتی دیگر کشورها گذشته از برهم زدن قیمت های نسبی واقعی جهانی موجب انحراف از نرخ رشد واقعی محاسبه شده بر پایه قیمت های نسبی جهانی خواهد شد که این انحراف بیشتر به صورت تخمین رشد اقتصادی بیش از میزان واقعی برای کشورهای رو به توسعه و کمتر از میزان واقعی برای کشورهای توسعه یافته خواهد بود.

همچنین، شاخص رشد اقتصادی يك کشور هر چند افزایش رفاه را به گونه میانگین نشان می دهد، اما گویای توزیع عادلانه در آمدها نیست و حتی ممکن است باعث افزایش در آمد شماری اندک و گسترش فقر شود. پس نرخ رشد اقتصادی نیز چشم انداز درستی برای بررسی کاهش اختلاف در آمدی کشورهای رو به توسعه و توسعه یافته و میزان رفاه جامعه به دست نمی دهد. چنین می نماید که به کار گیری این شاخصها برای توضیح رفاه نسبی باید همراه با شاخصهای دیگری باشد تا نتیجه تحلیل را واقعی تر سازد. تعیین خط فقر و شمار خانوارهای زیر خط فقر در کنار این شاخصها تا اندازه ای می تواند این کاستیها را بر طرف سازد. فقر به گونه معمول با حداقل امکانات معیشتی پذیرفتنی تعریف می شود.

برخلاف این واقعیت که فقر عمومی در يك جامعه برآیند عملکرد اقتصادی آن جامعه است و از بررسی آن به تنهایی و بیرون از ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه

نتیجه ای به دست نمی آید، همواره دو گزینه برای فقرزدایی بیان می شود (گریفین و جیمز، ۱۳۶۸) گزینه نخست: رشد اقتصادی باید به اندازه ای باشد که با توجه به توزیع در آمد کنونی، در آمدهای حاصل از آن به افزایش سطح زندگی گروههای کم در آمد و رسیدن آن به بالای خط فقر بینجامد.

گزینه دوم: با توجه به رشد اقتصادی کنونی، سهم گروههای فقیر از در آمد ملی افزایش یابد تا به فقرزدایی بینجامد. بنابراین برای برنامه ریزی در سطح ملی و منطقه ای و دست یابی به اهداف توسعه ای و همچنین طراحی سیاستهای حمایتی در راستای کمک به خانوارهای فقیر و شناسایی آنها نیازمند اطلاعات و برآوردهایی از خط فقر در سطح ملی و منطقه ای هستیم. در این پژوهش تلاش شده است خط فقر مطلق در سطح استان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در برنامه سوم توسعه برآورد شود و با به دست آوردن شکاف فقر موجود و برخی شاخصهای مرتبط، راههای مبارزه با فقر و افزایش رفاه مورد بررسی قرار گیرد.

بیان مسئله

یکی از هدفهای مهم سیاست گذاری هر دولت برای توسعه اقتصادی بیشتر، ایجاد رفاه عمومی و بهبود بخشیدن به آن در سطح جامعه، بویژه در مورد گروههای آسیب پذیر است از آنجا که این افزایش رفاه با تأمین امکانات اجتماعی، سیاسی، بهداشتی و آموزشی و... بیشتر امکان پذیر است، برای رسیدن به رفاه باید با پدیده فقر در جامعه مبارزه کرد. در این راستا نخست باید شناخت درستی از فقر داشت و بتوان میزان و شدت آنرا برآورد کرد. فقر می تواند ذهنیت های گوناگون برای افراد پدید آورد، اما بیشتر با حداقل امکانات معیشتی پذیرفتنی و همخوان با فرهنگ و سنت های هر جامعه تعریف می شود و به سخن دیگر، فقر ناتوانی از تأمین امکانات و نیازهای بنیادی و ضرور زندگی به شمار می آید.

برای بدست آوردن میزان فقر و شمار تهیدستان در جامعه، باید معیاری برای محاسبه و اندازه گیری وجود داشته باشد تا بتوان خط فقر را برآورد کرد. هر چند بررسی فقر در ایران پیشینه دراز ندارد، اما سازمان مدیریت و برنامه ریزی در این سالها در گزارش اقتصادی خود برآوردی از خط نسبی فقر به دست می دهد. به تازگی در سطح استانها نیز این کار آغاز شده است.

در بخش مرکزی فلات ایران جای دارد. این استان در ۲۹ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی واقع شده و در برگیرنده نامناسب ترین عوامل طبیعی غالب بر فلات مرکزی ایران است.

استان یزد بر پایه آخرین تغییرات در تقسیمات کشوری (۱۳۸۱) دارای ۱۰ شهرستان، ۲۱ شهر، ۲۰ بخش و ۵۱ دهستان است. این استان با استانهای اصفهان، فارس، خراسان، سمنان و کرمان همسایه است. در جدول شماره ۱-۱ ویژگیهای عمومی شهرستانها بر پایه تقسیمات کشوری در پایان سال ۱۳۸۱، و در جدول شماره ۲-۱ وضع تقسیمات کشوری در محدوده استان در سال ۱۳۸۱ آمده است.

۲- وضع اقلیمی و آب و هوایی

استان یزد از نظر بستی و بلندی دارای تنوع است و بلندی نقاط گوناگون آن متفاوت و از حدود ۸۵۰ متر از سطح دریای آزاد (در پیرامون کویر ریگ زرین) تا ۴۱۰۵۵ متر (شیرکوه) تغییر می کند. تراکم بلندیها در سه رشته جداگانه که بیشتر دنباله رشته کوههای مرکزی است، دیده می شود که روند آنها شمال باختری - جنوب خاوری است. گذشته از آن، کوههای جنوبی و شمالی جدا مانده نیز در سطح استان به گونه پراکنده وجود دارد.

باد در استان یزد به علت وجود شنهای روان و تپه های شنی اهمیت ویژه دارد. جهت چیره باد در این استان در شش ماه نخست سال یعنی فصلهای بهار و تابستان، شمال خاوری و از آبان تا بهمن جنوب خاوری است. در دو ماه مهر و اسفند، باد بیشتر از باختر می وزد.

وزش باد در استان به علت لخت بودن دشتهای و کوهستانها تند است. سرعت باد به صورت طوفانهای سهمگین شنی می تواند تا ۹۰ کیلومتر در ساعت برسد و حتی در یزد تا ۱۲۰ کیلومتر در ساعت نیز ثبت شده است. میانگین بارندگی سالانه در بخشهای گوناگون استان متفاوت است بر پایه نقشه های همباران سالانه، بارندگی در مناطق کویری مانند کویر سیاه کوه، ریگ زرین و در انجیر از ۵۰ میلی متر در سال کمتر است و خط همباران ۱۰۰ میلی متر، کوهپایه های استان را به گونه میانگین در ارتفاعات ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ متری دربر گرفته است. بارندگی سالانه استان در بلندی های شیر کوه به ۳۵۰ میلی متر در سال، در منطقه بوانات و باجگان به ۳۰۰ میلی متر و

اهداف پژوهش

برای دستیابی به يك هدف کلی مانند توسعه اقتصادی، باید عوامل مساعد را تقویت کرد. یکی از این عوامل، فقرزدایی و ایجاد رفاه بیشتر در جامعه بویژه برای گروههای آسیب پذیر است.

هدف این پژوهش، بر آورد خط فقر و شکاف فقر در استان یزد و به دست دادن اطلاعات لازم برای فقرزدایی است تا سیاستگذاران بتوانند پایی بردن به تفاوت در آمدی میان دو قشر دارا و ندار، روشی برای ایجاد امکانات اجتماعی، عمومی و فرهنگی برای خانواده های استان یزد بیابند و بر سر هم، بر پایه موقع جغرافیایی و اقلیمی و فرهنگی هر استان، سیاستهای فقرزدایی مناسب در پیش گیرند.

در این پژوهش دو هدف پی گرفته شده است:

۱) بر آورد خط فقر، سطح فقر و شکاف فقر در استان یزد.

۲) پیشنهاد راهکار بر پایه نتایج به دست آمده از پژوهش.

پرسشهای مطرح شده

۱) خط فقر، سطح فقر، شکاف فقر در استان به تفکیک مناطق روستایی و شهری تا چه اندازه است؟

۲) خط فقر در استان تا چه اندازه با خط فقر در کشور اختلاف دارد؟

روش اجرایی تحقیق

بر پایه هدف هر پژوهش، تحقیقات علمی به سه گروه بنیادی، کاربردی و تحقیق و توسعه دسته بندی می شود. این پژوهش از نوع کاربردی است و از نظر گردآوری اطلاعات، از گونه تحقیق توصیفی (غیر آزمایشی) پیمایشی مقطعی است که در آن از يك جامعه (کل خانواده های استان) يك نمونه که از بعد آماری ایتیمم است، در سطح استان انتخاب می شود. روش تجزیه و تحلیل را نیز می توان به دو گروه تقسیم کرد. بخش نخست که با بهره گیری از مبانی نظری ارائه شده، خط فقر محاسبه شده است و بخش دوم که در روش تحقیق از آن بعنوان تحلیل داده های کمی و پیمایشی یاد می شود. مبحث مربوط به مبانی نظری و پیشینه پژوهش نیز کتابخانه ای بوده و با مراجعه به کتابخانه های سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان و دانشگاه یزد تدوین شده است.

کلیاتی درباره استان یزد:

۱- موقع جغرافیایی و تقسیمات کشوری استان^۱
استان یزد با مساحتی نزدیک به ۱۳۱۵۷۵ کیلومتر مربع

جدول شماره ۱-۱: ویژگیهای عمومی شهرستانها بر پایه تقسیمات کشوری در پایان سال ۱۳۸۱

شهرستان	مساحت (کیلومتر مربع)	بخش	شهر	دهستان
گلستان	۱۳۱۵۷۵	۲۰	۲۱	۵۱
ابركوه	۵۶۴۱	۲	۲	۴
اردكان	۲۳۵۲۵	۳	۲	۵
بافق	۱۵۲۹۸	۲	۲	۶
تفت	۵۹۴۸	۲	۲	۱۰
خاتم	۷۹۳۱	۲	۲	۴
صدوق	۵۴۸۶	۲	۳	۳
طبس	۵۷۳۶۱	۳	۲	۸
مهریز	۶۷۱۷	۱	۱	۵
میبد	۱۲۷۱	۱	۱	۲
یزد	۲۳۹۷	۲	۴	۴

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، ۱۳۸۱

جدول شماره ۱-۲: تقسیمات کشوری در محدوده استان یزد: ۱۳۸۱

شهرستان و بخش	نام شهر	نام دهستان	شمار آبادی‌ها	
			جمع	مسکونی
جمع استان ...			۵۳۵۶	۱۳۵۷
ابركوه ...	ابركوه		۴۴۸	۵۸
مرکزی ...			۲۳۲	۴۱
	مهردشت	تیرجرد	۱۴۰	۲۲
		فراغه	۹۲	۱۹
بهمن ...	اردكان، احمدآباد	مهرآباد	۲۱۶	۱۷
		اسفندار	۱۰۲	۸
اردكان ...	اردكان، احمدآباد		۱۱۴	۹
مرکزی ...		محمدیه	۵۶۱	۱۰۰
	بافق		۱۳۰	۱۶
خرانق ...		رباطات	۱۳۰	۱۶
	بافق	زرین	۲۳۱	۴۲
عقدا ...		عقدا	۱۳۷	۲۲
	بافق	نارستان	۹۴	۲۰
			۲۰۰	۴۲
	بافق		۱۳۱	۲۸
			۶۹	۱۴
بافق ...	بافق		۵۹۱	۱۴۹
مرکزی ...			۳۴۲	۶۷

۵۶	۳۶	۹۲	سبزدشت		
۶۵	۱۵	۸۰	کوشک		
۱۵۴	۱۶	۱۷۰	مبارکه		
۱۶۷	۸۲	۲۴۹		بهاباد	بهاباد...
۴۸	۱۵	۶۳	اسفنج		
۴۲	۳۷	۷۹	بنستان		
۷۷	۳۰	۱۰۷	جلگه		
۱۰۷۹	۳۶۷	۱۴۴۶			تفت...
۵۱۴	۲۱۵	۷۲۹		تفت	مرکزی...
۸۹	۵۹	۱۴۸	پیشکوه		
۱۷۱	۵۰	۲۲۱	دهشیر		
۲۷	۲۶	۵۳	شیرکوه		
۱۰۴	۴۶	۱۵۰	علی آباد		
۱۲۳	۳۴	۷۵۷	نصرآباد		
۵۶۵	۱۵۲	۷۱۷		نیر	نیر...
۲۷۳	۱۶	۲۸۹	بنادکوک		
۵۴	۳۲	۸۶	زردین		
۱۶۳	۵۱	۲۱۴	سخوید		
۱۷	۹	۲۶	کهدوئیه		
۵۸	۴۴	۱۰۲	بخ و گاریزات		
۴۸۳	۸۵	۵۶۸			خاتم...
۲۳۱	۶۵	۲۹۶		هرات	مرکزی...
۱۲۳	۳۰	۱۵۳	چاهک		
۱۰۸	۳۵	۱۴۳	فتح آباد		
۲۵۲	۲۰	۲۷۲		مروست	مروست...
۲۱۷	۱۶	۲۳۳	هرابرجان		
۳۵	۴	۳۹	ایثار		
۲۰۶	۱۰۶	۳۱۲			صلوق
۲۹	۴۷	۷۶		اشکندر	مرکزی...
۲۹	۴۷	۷۶	رستاق		
۱۷۷	۵۹	۲۳۶		خضرآباد-ندوشن	خضرآباد...
۱۰۸	۴۷	۱۵۵	کذاب		
۶۹	۱۲	۸۱	ندوشن		

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان یزد، ۱۳۸۱

کشورهای توسعه یافته فقر را می توان محرومیت از امکانات رفاهی طبقه های درآمدی بالاتر معنا کرد.

روانتری (۱۹۰۱) فقر را نداشتن درآمد کافی برای دستیابی به حداقل لوازم مورد نیاز برای کارایی جسمانی صرف و نگهداری آن تعریف می کند. از دید او فقر بر دو گونه است، اولیه و ثانویه؛ که فقر ثانویه در برابر فقر اولیه، حتی با داشتن درآمد کافی می تواند سر بر آورد. این فقر از ناتوانی فرد در تخصیص و به کارگیری درست درآمد پدید می آید.

اتکینسون (۱۹۸۹) از فقر دو تعبیر دیگر دارد: یکی دسترسی نداشتن به امکانات گذران زندگی با شرایطی معین؛ بدین معنا که هر گاه کل هزینه های فرد از اندازه معینی کمتر باشد، تهیدست به شمار می آید. دیگری، حق برخورداری از حداقل منابع و امکانات اقتصادی و اجتماعی، بدین مفهوم که اگر درآمد هر کس از این حداقل پایین تر باشد امکان دسترسی به آنها نخواهد بود. در این تعریف حداقل درآمد مهم است نه چگونگی مصرف.

دیدگاه صاحب نظران دربارهٔ واژه رفاه به معنای اقتصادی آن، یکسان نیست. برخی معتقدند که فقر را باید از زاویه رفاه بررسی کرد و در تعریف آن درجه ای از رفاه و سلامت کلی خانواده را جدا از منابع اساسی در اختیار خانواده و هزینه های حداقل زندگی مورد توجه قرار داد که این نظریه بیشتر در مورد کشورهای توسعه یافته کاربرد دارد.

از سوی دیگر، کسانی چون سن (Sen) معتقدند که در تعریف و اندازه گیری فقر بهتر است دیدگاهی غیر رفاهی در کار باشد و بیشتر به منابع اساسی در اختیار افراد و حداقل هزینه های ضرور برای زندگی توجه شود.

بر سر هم، کارشناسان در زمینه های اقتصادی و اجتماعی، فقر را ناتوانی در برآورده ساختن نیازهای انسانی می دانند. برای شناخت بهتر پدیده فقر، می توان آنرا از جهات گوناگون بخش بندی کرد.

بخش بندی فقر

شاخصهای گوناگونی برای بخش بندی فقر در نظر گرفته می شود که در اینجا چند مورد از آنها را می آوریم.

در جدول ۱-۲ زیر عنوان مفاهیم فقر، انواع فقر با تعریفی کوتاه آمده است. در این میان فقر مطلق، فقر نسبی و فقر ذهنی نیازمند توضیح بیشتری بوده است.

خط فقر (Poverty Line)

برای برآورد فقر، آستانه ای تعیین می شود که مرز میان

در کوههای انجیر و خرائق به ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلی متر می رسد. اما وسعت مناطقی که این ارقام را دریافت می کنند، بسیار اندک است. بیشتر بارندگی ها در زمستان رخ می دهد و پس از آن بارندگی های بهاره و سپس پاییزه است. بارندگی های تابستانه در مناطق بستان صفر و در مناطق بلند نیز بسیار ناچیز است. نوسان درجه حرارت در زمستان و تابستان و حتی در شب و روز بسیار زیاد است. درجه حرارت بیشینه از ۴۵ درجه سانتی گراد بالای صفر تا ۲۰ درجه سانتی گراد زیر صفر متغیر است. میانگین روزانه دما برای تمام سال (میانگین سالانه) بر پایه گزارش ایستگاههای هواشناسی از ۱۱/۹ تا ۲۰/۷ درجه سانتی گراد بوده است.

۲- جمعیت و نیروی انسانی

جمعیت استان یزد بر پایه سرشماری ۱۳۸۱ نزدیک به ۸۹۱۱۳۷ تن بوده است. میزان اشتغال در این سال ۸۵/۷۸ درصد و میزان بیکاری ۱۴/۲۲ درصد بوده که نسبت به سالهای پیش از آن درصد بیکاری افزایش یافته است. در ۱۳۷۵، جمعیت فعال از نظر اقتصادی در سراسر استان ۲۲۶۱۲۸ تن و شمار شاغلان ۲۱۴۳۰۴ تن بوده است. از این میان ۱۴۸۹۰ تن در شهرها و ۶۵۴۰۴ نفر در روستاها زندگی می کرده اند.

بر پایه آمارهای موجود در ۱۳۸۱، شهرستان یزد با ۱۱۱۲۷۱ تن بیشترین و شهرستان خاتم با ۶۶۵۹۹ کمترین جمعیت را داشته اند.

تعریف فقر

گاه به اشتباه فقر و توزیع نابرابر درآمد را در کنار هم مترادف هم به کار می گیرند. بی گمان پیوندی نزدیک میان این دو وجود دارد اما نمی توان آنها را یکی گرفت. می توان گفت که توزیع نابرابر درآمد به تنهایی فقر را معنا نمی کند و رواج فقر نمی تواند تنها به علت توزیع نابرابر درآمد باشد.

از فقر تعاریف گوناگون شده است و در گذر زمان و بر اثر تحولات اقتصادی این تعاریف دستخوش دگرگونی شده است. فقر را می توان گونه ای محرومیت خواند. سن (Sen) در ۱۹۸۱ از فقر بدین گونه نام برده است. نموده های این محرومیت می تواند گوناگون باشد. برای نمونه، در کشورهای رو به توسعه فقر می تواند محرومیت از خوراک، پوشاک، مسکن یا امکانات ضرور برای زندگی باشد؛ اما در

که به آنها اشتغال دارد در برمی گیرد. بنابراین در تعریف خط فقر باید ابعاد گوناگون را در نظر گرفت مانند نیازهای اساسی چون خوراک، مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش و... پس می توان گفت هر خانواده که از تأمین هر يك از نیازهای خود در حد کفایت ناتوان باشد، فقیر به شمار می آید. به گونه معمول، از درآمد بعنوان شاخصی مناسب برای نشان دادن سطح زندگی یاد می کنند، اما گفتنی است که کاربرد این شاخص نیز ایراداتی دارد چون شهروندان در مورد درآمدهای خود اطلاعات درستی به دست نمی دهند و بنابراین چشم اندازی که بر پایه این اطلاعات ترسیم می شود می تواند نادرست باشد. از این رو در بیشتر

تهیدستان و دیگر شهروندان را مشخص می کند. این آستانه را خط فقر می خوانند. به گفته دیگر، حداقل امکانات برای گذران زندگی یا سطح زندگی پذیرفتنی برای هر جامعه که افراد فاقد آن ندار به شمار می آید، در اصطلاح فنی خط فقر خوانده می شود. خط فقر، شهروندان را به دو گروه دارا و ندار بخش بندی می کند. کسانی که ویژگیهای زندگی آنان در سطحی پایین تر از این معیار باشد فقیر شناخته می شوند. در تعریف مفهوم خط فقر دو اصطلاح «سطح زندگی» و «امکانات گذران زندگی» چشمگیر است. «سطح زندگی» مفهومی چند بُعدی است و همه کالاهای مصرفی فرد و همه کارهایی را

جدول ۲-۱: مفاهیم فقر

Po= Poverty

فارسی	انگلیسی	تعریف کوتاه
فقر مطلق	Absolute Po.	نداشتن امکان تأمین حداقل نیازهای اساسی.
فقر نسبی	Relative Po.	برخوردار نبودن از میانگین امکانات تأمین شدنی از سوی جامعه
فقر همیشگی	Permanent Po.	پایداری و مزمن بودن فقر.
فقر گذرا	Temporary Po.	فقر مقطعی که در کوتاه مدت از میان می رود.
فقر اختیاری	Voluntary Po.	به گونه ارادی پدید می آید.
فقر اجباری	Obligatory Po.	فقر مایه گرفته از عوامل بیرون از حیطه اختیار
فقر موردی	Case Po.	فقری که فرد یا افرادی محدود به دلایلی ویژه به آن دچار می شوند.
فقر فراگیر	Mass Po.	حالتی که دامنه فقر بسیار گسترده است و بیشتر مردمان را در بر می گیرد.
فقر ذهنی	Subjective Po.	فقری که با توجه به احساس و ذهنیت افراد تعریف می شود.
فقر عینی	Objective Po.	فقری که به استناد شواهد ملموس ثابت شدنی است.
فقر اقتصادی	Economic Po.	ناتوانی از برآوردن نیازهای اقتصادی
فقر غیر اقتصادی	Non-Economic Po.	ناتوانی از برآوردن نیازهای غیر اقتصادی
فقر جزئی	Partial Po.	فقر تنها در بُعدی ویژه مانند تأمین مسکن مناسب
فقر کلی	Total Po.	فقری که در همه ابعاد به چشم می آید.
فقر برونزا	Exogenous Po.	فقری که سرچشمه آن عوامل بیرونی است
فقر درونزا	Endogenous Po.	فقر برخاسته از عوامل درونی
فقر کاهنده	Decreasing Po.	فقری که در گذر زمان کاهش یابد.
فقر فزاینده	Increasing Po.	فقری که در گذر زمان افزایش یابد.
فقر سیاسی	Political Po.	
فقر فرهنگی	Cultural Po.	

مأخذ: اندازه گیری و تحلیل خط فقر و توزیع درآمد در استان آذربایجان شرقی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۱

۳- شاخص FGT (فاستر، گریر، توربک)

این شاخص را که از جمع عناصر تجزیه پذیر به وجود آمده و در این سالها بسیار کاربرد یافته است، فاستر، گریر و توربک (۱۹۸۴) پیشنهاد کرده اند و گویای آن است که فقر به دست آمده از بررسی زیر گروه های گوناگون جمعیت را می توان با هم جمع کرد و به میزانی واحد از فقر کلی جمعیت دست یافت. فرمول این شاخص چنین است:

$$F(a) = \frac{1}{n} \sum (g_i/z)^a \quad a > 0$$

در این شاخص، فقر در اصل تابعی از شکاف فقر به شمار می آید که به توان a رسانده شده است. مقدار a پارامتری است که گویای توجه پژوهشگر به عمق فقر یا تفاوت موجود میان خط فقر و میانگین درآمد مردمان کم درآمد است.

در اینجا $g_i = (z - y_i)$ نشان دهنده فقر فردی است که با z بیانگر خط فقر و n شمار مردمان کم درآمد است.

هرگاه $a = 0$ باشد، $F(0) = H$ یعنی همان شاخص سرانه.

هرگاه $a = 1$ باشد، $F(1) = HG$ یعنی همان شکاف درآمد که بر پایه شمار خانواده های فقیر تعدیل شده است. و هرگاه $a = 2$ باشد، یعنی اینکه حساسیت بیشتری به عمق فقر نشان می دهیم.

۴- شاخص نسبت شکاف درآمد (Income Gap Ratio) (سن، ۱۹۷۶)

$$G = \frac{1}{qz} \sum (z - y)$$

qz شمار کسان زیر خط فقر، y درآمد افراد و z خط فقر را نشان می دهد. نسبت شکاف درآمد (G) که به صورت درصدی از خط فقر بیان می شود گویای آن است که میانگین درآمد (یا هزینه) اقشار فقیر جامعه چه اندازه باید افزایش یابد تا فقر یکسره از میان برود. از یک دیدگاه، H و G در واقع مکمل یکدیگرند.

۵- روش فرضیه ای (Axiomatic)

سن (Sen، ۱۹۷۶) بر پایه روش فرضیه ای، شاخصی برای اندازه گیری فقر به دست داده است که نه تنها شاخص سرانه فقر (H) و نسبت شکاف درآمد (G) را در نظر می گیرد بلکه توزیع درآمد در میان تهیدستان را مورد توجه قرار می دهد.

$$S = H(I + (1-I)G^+)$$

G^+ ضریب جینی توزیع درآمد در میان تهیدستان است. از دیگر شاخصهای اندازه گیری فقر می توان به

پژوهشها هزینه را به جای درآمد بعنوان شاخص سطح زندگی به کار می گیرند زیرا به دست آوردن اطلاعات درست در این زمینه آسانتر و امکان پذیرتر است.

شاخصهای اندازه گیری فقر

در همه مقیاس های تک شاخصی اندازه گیری فقر، کسانی که مقدار درآمد یا هزینه آنان پایین تر از خط قرار دادی فقر باشد تهیدست به شمار می آیند. اگر درآمد هر خانوار با Y نمایش داده شود و n خانوار داشته باشیم و بخواهیم آنها را با توجه به درآمدشان از پایین به بالا مرتب کنیم و Z نمایانگر خط فقر باشد، معادله زیر به دست می آید:

$$y_1 \leq y_2 \leq y_3 \leq \dots \leq y_q \leq Z \leq y_{q+1} \leq \dots \leq y_n$$

هرگاه q تهیدستان را با P و شمار آنان را با q نمایش دهیم، به اندازه q خانوارهای پایین تر از خط فقر قرار خواهند گرفت. اکنون بر پایه تعریف بالا به معرفی شاخصهایی برای اندازه گیری فقر می پردازیم.

۱- شاخص سرانه (Headcount Ratio)

این شاخص یکی از ساده ترین و ابتدایی ترین روشهای اندازه گیری شدت فقر است و بر پایه آن افراد با درآمد زیر خط فقر در برابر کل افراد جامعه در نظر گرفته می شوند. اگر q نشان دهنده شمار افراد تهیدست باشد و n نماینده کل افراد جامعه، خواهیم داشت:

$$H = \frac{q}{n}$$

این نسبت دورنمای ساده ای از میزان فقر در جامعه به دست می دهد، اما ژرفا یا شدت فقر را بیان نمی کند؛ یعنی با کاربرد این شاخص می توان دریافت که شمار تهیدستان چیست، اما مقدار فقر روشن نیست یا نمی توان گفت که افراد تا چه اندازه تهیدستند.

۲- شاخص شکاف فقر (Poverty Gap)

این شاخص برای نشان دادن شدت یا عمق فقر به کار می رود. اساس کار این شاخص بر تفاوت درآمد فرد یا خانوار فقیر از خط فقر کلی است. اگر شکاف فقر فردی را با $g_i = (Z - Y_i)$ نشان دهیم، $g = \sum (z - y_i)$ و شکاف فقر جمعیت را با $(Z - Y_i)$ از تقسیم کردن شکاف فقر فردی یا جمعیت بر خط فقر، نسبت شکاف فقر حداکثر به دست می آید و از تقسیم آن به شمار افراد (کل جمعیت) تهیدست، به میانگین شکاف فقر می رسیم (Z بیانگر خط فقر است). شکاف فقر میزان پول یا درآمدی را که باید به افراد فقیر انتقال یابد تا فقر ریشه کن شود، نشان می دهد.

شاخص‌های تاکایاما، کاکوانی، تون کلارک، آلف، همینگ، دونالدسون، چاکراواتی، هاکن آرمس و کوربی اشاره کرد.

روش تعیین خط فقر از راه برآورد حداقل

کالری مورد نیاز فرد یا خانوار

این روش، گونه‌درست و متعارف روش نیازهای اولیه است و از نظر مبانی استخراج خط فقر، از همان روش پیروی می‌کند. روش حداقل کالری بر پایه سه مشاهده مهم، از روش نیازهای اولیه در شکل عمومی جدا می‌شود. این سه مشاهده عبارت است از:

- ۱- در خانوارهای کم درآمد، بخش بزرگی از بودجه خانوار صرف تأمین هزینه کالاهای خوراکی می‌شود.
- ۲- در سنجش با دیگر نیازهای اولیه، مفهوم حداقل کالری مورد نیاز، بر پایه بررسی‌های کارشناسان بهداشت و تغذیه توجیه‌پذیرتر می‌نماید.
- ۳- از دید علمی، بررسی خوراک خانوار از دیگر نیازها آسان‌تر و دقیق‌تر انجام می‌پذیرد.

پس با معلوم شدن حداقل کالری مورد نیاز از سوی کارشناسان تغذیه و بهداشت، می‌توان کم‌هزینه‌ترین راههای دستیابی به این کالری را بررسی کرد و با توجه به اطلاعات موجود و آمارگیری‌ها درباره بودجه خانوار، این راهها را با آنچه در عمل يك خانوار کم درآمد برای تأمین کالری برمی‌گزیند، سنجید. بنابراین با دقتی پذیرفتنی، حداقل هزینه‌های خانوار به دست می‌آید. سپس بر پایه اطلاعات درباره بودجه خانوار می‌توان نسبت هزینه خوراک به کل هزینه خانوارهای کم درآمد را نیز برآورد کرد. با در دست داشتن این نسبت، هزینه مترادف خط فقر از حداقل هزینه‌های خوراکی به دست می‌آید. این روش بیش از سی سال پیش در آمریکا برای تعیین خط فقر به کار گرفته شده است.

در این پژوهش برای بررسی فقر مطلق از این روش (روش محاسبه حداقل کالری مورد نیاز فرد و خانواده) بهره گرفته‌ایم و مراحل زیر انجام شده است:

الف) نخست با بهره‌گیری از مقادیر مورد نیاز کمیته کارشناسان تغذیه در سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد میزان مواد (W.H.D) و سازمان بهداشت جهانی (F.A.O) مغذی مورد نیاز گروه‌های سنی و جنسی گوناگون تعیین شده است و چون نیازمندی‌های خوراکی جامعه ایرانی روشن نیست، از پیشنهادهای این سازمانها با توجه به شرایط

کشورهای رو به توسعه، بهره‌گیری شده است. این مقادیر که در جدول (۱-۴) آمده و از سوی کارشناسان واحد تحقیقات انستیتو تغذیه استخراج گردیده، با شرایط اقتصادی-اجتماعی ایران همخوان است و در مطالعات تغذیه‌ای به کار گرفته می‌شود.

ب) جمعیت استان یزد در گروه‌های سنی و جنسی گوناگون بر پایه بخش‌بندی انستیتو تغذیه در جدول (۲-۴) آمده است. پس مندرجات ستونهای سوم و چهارم جدول (۲-۴) میانگین وزنی مقدار کالری به دست آمده (۲۲۲۸۵۲) است و همان مقدار میانگین روزانه مواد مغذی مورد نیاز فرد در استان یزد است که در پایان ستون پنجم جدول (۲-۴) نشان داده شده است.

پ) در مرحله سوم با در اختیار داشتن میانگین وزنی کالری روزانه مورد نیاز فرد در استان یزد و با کاربرد مدل دیگر انستیتو تغذیه، میانگین کالری به حداقل مواد خوراکی مورد نیاز در روز تبدیل می‌شود. در تنظیم این مدل ضوابطی مانند الگوی مصرف و ترکیبات خوراکی جامعه ایرانی و موازین تغذیه‌ای در این زمینه به کار گرفته شده است. در برآورد نیازها، تنها میزان نیازهای فردی در نظر گرفته شده و به چگونگی توزیع آن در میان طبقات گوناگون اجتماعی و خانواده توجه نشده است.

۱- محاسبه و تعیین برنامه خوراکی^۲

برای محاسبه نیازهای خوراکی، نخست باید میزان نیاز فرد به مواد پروتئینی، چربی و کربوهیدرات را تعیین کرد. به این منظور ۲۵ تا ۳۰ درصد کالری مورد نیاز هر کس را برای مواد چربی، ۱۰ تا ۱۵ درصد برای مواد پروتئینی و ۵۵ تا ۶۵ درصد برای مواد قندی نشاسته‌ای در نظر می‌گیرند. در تنظیم این برنامه خوراکی به ترتیب ۱۵ درصد، ۶۰ درصد و ۲۵ درصد کالری مورد نیاز برای مواد پروتئینی، کربوهیدرات و چربی بر مبنای اینکه ۱۰ گرم قند ۴ کالری، ۱ گرم پروتئین ۴ کالری و ۱ گرم چربی ۹ کالری ایجاد می‌کند، محاسبه می‌شود. سپس با توجه به ارقام به دست آمده و با در نظر گرفتن این نکته مهم که برنامه خوراکی روزانه باید دربرگیرنده مقادیر مناسبی از گروه‌های گوناگون خوراکی مانند لبنیات، میوه‌ها، سبزیها، گوشتها، غلات، قندها و چربیها باشد و همچنین عادات خوراکی شهروندان با بهره‌گیری از جدول ترکیبات مواد خوراکی، مقدار مواد خوراکی مورد نیاز روزانه تعیین می‌شود.

در این محاسبات روش کار این است که برای تأمین

الگوی پیشنهادی انستیتو تغذیه (تغذیه مناسب)*

عنوان	مقدار گرم در روز	مقدار کالری در روز	مقدار کیلو گرم در سال
غلات	۳۵۰		
نان	۲۵۰	۹۰۰	۹۰
برنج	۱۰۰	۳۶۰	
حبوب	۳۰	۱۰۵	
قند و شکر	۴۵	۱۰۸	۱۶/۲
روغن	۲۵	۲۲۵	۹
گوشت	۱۰۰		
گوشت قرمز	۳۰		۱۰/۸
گوشت سفید	۲۵	۱۲۰	۹
گوشت ماهی	۲۰		۷/۲
تخم مرغ	۲۵		۹
لبنیات			
شیر	۱۰۰	۶۰	۳۶
ماست	۱۰۰	۶۰	۳۶
پنیر	۲۰	۴۶	۷/۲
سبزیها	۳۲۰	۱۰۹	۱۱۵
میوهها	۳۵۰	۹۴	۱۲۶

* جیره‌های خوراکی را متعادل و مناسب می‌گویند که از نظر تأمین انرژی و مقدار پروتئین لازم و دیگر مواد خوراکی، کافی و مناسب باشد و در تنظیم آن تنوع غذایی و بهره‌گیری از گروه‌های گوناگون خوراکی در نظر گرفته شده باشد.

جانشین‌های خوراکی و الگوی پیشنهادی انستیتو تغذیه، سه سناریو یا گزینه تعریف می‌شود.

گزینه نخست همخوان با رژیم پیشنهادی انستیتو تغذیه است، گزینه دوم بر پایه جانشینی کالاهای ارزان با کالاهای گران در یک گروه کالایی تنظیم شده است و سرانجام گزینه سوم با توجه به جانشینی کالاهای ارزان با کالاهای گران غیر همگروه تعریف می‌شود.

پس از برآورد، روشن خواهد شد که از گزینه نخست تا سوم به ترتیب هزینه‌ها متعادل تر و کمتر و باعث می‌شود که شمار بیشتری از افراد از اندازه معینی کالری بهره‌مند شوند، هر چند این وضع نارسایی‌هایی نیز از نظر خوراکی و گوارشی در پی دارد. گذشته از آن، در جانشینی مواد خوراکی باید به نکات زیر توجه کرد:

○ هر چه جانشینی‌ها بیشتر شود و نیز مواد از دو گروه

ویتامینها و املاح مورد نیاز جامعه که نقش محافظ را در زمینه تأمین سلامت فرد دارد، حداقل گروه‌های خوراکی (لبنیات، سبزیها و میوهها) که تأمین کننده‌های اصلی مواد معدنی و ویتامین‌ها هستند، در نظر گرفته می‌شود. مقادیر پیشنهادی برای این گروه‌ها ۲-۴ سهم لبنیات، ۳-۴ سهم سبزیها و ۲-۳ سهم میوهها است. (هر سهم لبنیات برابر ۲۴۰ گرم و هر سهم سبزیها و میوهها برابر ۱۵۰ گرم است).

پس از منظور کردن این مواد و محاسبه میزان پروتئین، کربوهیدرات و چربی آن و کسر کردن از میزان پروتئین، کربوهیدرات و چربی مورد نیاز مشخص شده، میزان باقیمانده کربوهیدرات، چربی و پروتئین مورد نیاز با انتخاب مقدار مناسبی از دیگر گروه‌های خوراکی و با توجه به عادات خوراکی جامعه تأمین می‌شود. اکنون با ذکر

متفاوت انتخاب شود (برای نمونه، حبوب به جای گوشت) ارزش خوراکی رژیم (الگو) دستخوش تغییر بیشتر می شود.

○ عادات خوراکی، الگوی خوراکهای متداول، ذائقه، قدرت خرید و... باید در جانشینی مورد توجه قرار گیرد.

○ تا جایی که ممکن است تلاش شود جانشین ها از يك گروه خوراکی انتخاب شوند یعنی انواع گوشت به جای یکدیگر یا حبوب به جای یکدیگر قرار گیرند؛ زیرا مواد جانشین بیشتر از نظر کالری و يك یا دو ماده مغذی می توانند جانشین یکدیگر شوند و انتخاب آنها به جای ماده اصلی، تعادل ارزش خوراکی رژیم (الگو) را تغییر می دهد. (گزینه دوم ارجح است.)

○ يك سوم پروتئین مورد نیاز روزانه باید از منابع حیوانی به دست آید.

○ مصرف تخم مرغ برای هر نفر در هفته بیش از ۳ تا ۴ عدد پیشنهاد نمی شود و روزانه ۱/۲ تخم مرغ منظور می گردد.

در بخش بعدی مقادیری از کالاهای که می توانند جانشین یکدیگر شوند مورد بررسی قرار می گیرد. این مورد را انستیتو تغذیه بررسی کرده است و به آن خواهیم پرداخت.

۲- الگوی پیشنهادی و جانشین های خوراکی

مناسب

غلات	۳۵۰ گرم
گندم	۲۵۰ گرم
برنج	۱۰۰ گرم

جانشینی ۱۰۰ گرم گندم = ۱۰۰ گرم برنج = ۱۰۰ گرم ماکارونی = ۱۰۰ گرم ذرت و ۴۰۰ گرم سیب زمینی حبوب ۳۰ گرم

جانشینی انواع حبوب خشک با وزن یکسان امکان پذیر است.

قند و شکر ۴۵ گرم
قند و شکر به اندازه مساوی جایگزین یکدیگر می شوند.

۱۰۰ گرم قند = ۱۵۰ گرم خرما
روغن ۲۵ گرم
روغنهای مایع و جامد از نظر تأمین کالری با مقدار برابر می توانند جانشین یکدیگر شوند ولی از نظر سلامت جامعه، مصرف روغن مایع بهتر از روغن نباتی است.
۱۰۰ گرم روغن مایع یا جامد = ۱۲۰ گرم کره

میوه ها ۳۵۰ گرم

میوه ها با وزن برابر می توانند جایگزین یکدیگر باشند و در زمستان مرکبات به علت سرشار بودن از تأمین ویتامین ث بر دیگر میوه ها برتری دارد.

سبزیها ۳۳۰ گرم

گروه الف: سبزیهایی که کالری آنها بسیار ناچیز است مانند کلم، گل کلم، کرفس، خیار، بادمجان، اسفناج، بامیه، گوجه فرنگی، کاهو، سبزی خوردن، سبزیهای برگی و لوبیا سبز با مقدار برابر جانشین یکدیگر می شوند.

گروه ب: سبزیهایی که از گروه الف کالری بیشتری دارند مانند چغندر، هویج، پیاز، نخود سبز، شلغم، کدو و ترب به مقدار برابر

گوشت ۱۰۰ گرم

جانشینی گوشت سفید (پرندگان) و گوشت قرمز (دام) به میزان برابر امکان پذیر است. در عادات خوراکی شهروندان گوشت قرمز نقش بیشتری دارد اما از نظر تأمین سلامت، گوشت سفید بهتر است.

۱۰۰ گرم گوشت = ۲ عدد تخم مرغ

حبوب تا اندازه ای برای تأمین پروتئین می تواند جانشین گوشت شود.

لبنیات

جانشینی ۱۰۰ گرم ماست = ۱۰۰ گرم شیر = ۲۵ گرم پنیر

در گزینه دوم، مقدار کالری و پروتئین لازم تأمین می شود اما از سوی دیگر ترکیب بهینه مواد خوراکی تغییر می یابد و کالاهای ارزان جانشین کالاهای گران می شود که در يك گروه غذایی وجود دارد. برای نمونه، جانشینی در گروه غلات انجام می شود. برای پیشنهاد انستیتو تغذیه ۳۵۰ گرم غلات وجود دارد، اما با ترکیب ۳۱۶ گرم نان و ۳۴ گرم برنج یا جانشینی در انواع گوشت که فرآورده های ارزان قیمت از گوشت مرغ و ماهی جانشین گوشت قرمز می گردد و به این صورت گزینه دوم طراحی می شود.

در گزینه سوم، گذشته از جانشینی کالاهای همگروه، کالاهای ارزان غیر همگروه نیز جانشین کالای گران می شود. برای نمونه، مصرف حبوب به جای گوشت؛ و با این جانشینی ها گزینه سوم نیز به صورت زیر طراحی می شود:

مرحله چهارم و پایانی طرح، بر آورد خط فقر مطلق با بهره گیری از روش اورشانسکی است. نخست خط فقر

گزینه دوم: جانشینی کالاهای گران همگروه با کالاهای ارزان

عنوان	گرم در روز	کالری در روز	کیلوگرم در سال
غلات	۳۵۰		
نان	۳۱۶	۱۱۳۸	۱۱۴
برنج	۳۴	۱۲۲	۱۲/۲۵
حبوب	۳۰	۱۰۵	۱۰/۸
قند و شکر	۴۵	۱۰۸	۱۶/۲
روغن	۲۵	۲۲۵	۹
گوشت	۱۰۰		
گوشت قرمز	۱۰		۳/۶
گوشت سفید	۳۵	۱۲۰	۱۲/۶
گوشت ماهی	۳۰		۱۰/۸
تخم مرغ	۲۵		۹
لبنیات	۱۵۰	۹۰	۵۴
شیر	۶۰	۳۶	۲۱
ماست	۲	۵	۰/۷۲
پنیر	۱۰۹	۱۱۵	
سبزی‌ها	۹۴	۱۲۶	
میوه‌ها			

گزینه سوم: جانشینی کالاهای گران غیر همگروه با کالاهای ارزان

عنوان	گرم در روز	کالری در روز	کیلوگرم در سال
غلات	۳۵۰		
نان	۳۱۶	۱۱۳۸	۱۱۴
برنج	۳۴	۱۲۲	۱۲/۲۵
حبوب	۸۰	۲۸۰	۲۹
قند و شکر	۴۵	۱۰۸	۱۶/۲
روغن	۲۵	۲۲۵	۹
گوشت	۱۰۰		
گوشت قرمز	۱۰	۱۲	۳/۶
گوشت سفید	-	-	-
گوشت ماهی	-	-	-
تخم مرغ	۲۰	۲۴	۷/۲
لبنیات	-	-	-
شیر	۱۵۰	۹۰	۵۴
ماست	۵۰	۳۰	۱۸
پنیر	-	-	-
سبزیجات	۳۲۰	۱۰۹	۱۱۵
میوه‌جات	۳۵۰	۹۴	۱۲۶

۱۳۸۱ در جدول‌های (۴-۱۳) تا (۴-۱۶) آمده است و سپس نتایج به دست آمده از برآورد خط فقر کل سالانه هر خانوار و خط فقر خوراکی سرانه سالانه در سالهای یاد شده در جدول شماره (۴-۱۱) نشان داده شده است.

۳- توضیحاتی پیرامون ویژگیهای کالاهای انتخابی (سناریو) در استان یزد

نان: ۲ تا ۳ برابر بودن بهای نان در روستا در قیاس با شهر را می‌توان به نوع آرد به کار گرفته شده و دیگر هزینه‌ها مانند دستمزد، سوخت و... نسبت داد. در نان پخت شده در روستا که به نان خانگی معروف است، آرد مرغوبتری به کار می‌رود و حتی بیشتر با تنورهای هیز می‌پخت می‌شود در حالی که در شهر، آرد برای پخت نان آمیزه‌ای است از آرد گندم سبوس دار و آرد سفید. بگذریم از اینکه گاهی برخی نانوايي هانوز جوش شیرین را برای پخت نان به کار می‌برند.

برنج: برنج در نظر گرفته شده در سناریوها از گونه متوسط است و چون در استان یزد برنج کشت نمی‌شود، دور از انتظار نیست که بهای آن در روستاها گران‌تر از شهرها باشد.

قند، شکر، روغن و بنیر: بهای این کالاها در مناطق روستایی و شهری یکسان در نظر گرفته شده است چون در ردیف کالاهای تعزیراتی به شمار آمده و به گونه خرده‌فروشی میانگین قیمت‌ها یکسان محاسبه می‌شود.

گوشت قرمز: پایین بودن بهای این کالا در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری، به علت پرورش انواع دام در بیشتر مناطق روستایی استان بوده است (به گونه صنعتی خانگی).

تخم مرغ و گوشت سفید: گوشت سفید بیشتر در برگیرنده گوشت مرغ است، چون گوشت دیگر ماکیان و پرندگان به علت گران بودن نمی‌تواند در سبد مصرفی همه خانوارها با درآمدهای گوناگون بویژه در آمد پایین جای گیرد و با در نظر گرفتن این نکته که در استان یزد بیشتر مرغ‌های پرورشی بویژه در مناطق روستایی (خانگی) تخمگذار هستند، گوشت سفید در مناطق روستایی اندکی گران‌تر و تخم مرغ (بومی) ارزان‌تر از مناطق شهری است.

گوشت ماهی: در این سالها به علت افزایش پرورش ماهی در کنار فرآورده‌های کشاورزی، عرضه آن در سطح استان افزایش یافته اما از آنجا که در همه روستاها دسترسی به این کالا امکان پذیر نیست همان میانگین بهای محاسبه شده در شهر (به گونه خرده‌فروشی) برای مناطق روستایی در نظر گرفته شده

خوراکی (حدأقل هزینه‌های خوراک مورد نیاز) برآورد و سپس ضریبی بعنوان هزینه‌های غیر خوراکی به آن افزوده می‌شود. برای برآورد خط فقر خوراکی تعیین نوع، مقدار و بهای کالاهای ضرور مورد نیاز است. نوع و مقدار این کالاها بر پایه گزینه‌های گوناگون مشخص می‌شود. از سوی دیگر، برخی کالاها مشمول پرداخت یارانه است و در مورد این کالاها مقادیر و قیمت‌های متفاوتی وجود دارد.

در جدول (۴-۳) و (۴-۴) مقدار و بهای این کالاها در سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ برای هر نفر در مناطق شهری و روستایی استان آمده است. در واقع با بررسی سالهای ۷۸ و ۸۱، به میزان فقر در سطح استان یزد در برنامه سوم توسعه می‌پردازیم. خط فقر خوراکی با این فرض در مورد کالاهای مشمول پرداخت یارانه برآورد می‌شود که مصرف کننده نخست کالای مورد نیاز خود را با بهره‌گیری از یارانه خرد و نیاز اضافی را از بازار آزاد تأمین می‌کند. برای نمونه، در مورد برنج، در گزینه نخست در سال ۸۱ مصرف کننده در مناطق شهری ۳ کیلو برنج از راه سهمیه کوپنی به بهای هر کیلو ۵۷۰ ریال، ۳ کیلو را از راه سهمیه تعادلی به بهای هر کیلو ۱۳۸۵ ریال و ۳۰ کیلو را از بازار آزاد به بهای هر کیلو ۷۰۰۰ ریال خریداری کرده است که در پایان حدأقل هزینه تأمین برنج در مناطق شهری در سال ۸۱ بر پایه گزینه نخست چنین بوده است:

$$215865 = (3 * 570) + (3 * 1385) + (30 * 7000)$$

همچنین در مورد دیگر کالاها حدأقل هزینه تأمین آنها به دست می‌آید و سپس حاصل جمع این حدأقل هزینه در مورد کالاهای گوناگون در سناریوهای مختلف مشخص می‌شود و حدأقل هزینه خوراکی به دست می‌آید. جدول‌های (۴-۵) تا (۴-۱۰) این روند را نشان می‌دهد.

پس از برآورد خط فقر خوراکی می‌توان خط فقر کل را بر پایه روش اورشانسکی محاسبه و خط فقر خوراکی را در ضریبی (Q) ضرب کرد. این ضریب از نسبت میانگین هزینه کل به میانگین هزینه‌های خوراکی و دخانی در سال‌های گوناگون به دست می‌آید یعنی:

$$\text{میانگین هزینه کل مواد خوراکی و غیر خوراکی} * \text{خط فقر خوراکی} = \text{خط فقر کل}$$

$$\text{میانگین هزینه کل مواد خوراکی}$$

خط فقر کل برای هر خانوار را می‌توان از حاصل ضرب بعد خانوار در خط فقر کل سرانه محاسبه کرد. به این منظور اطلاعات مربوط به میانگین هزینه کل و میانگین هزینه کل خوراکی در مناطق شهری و روستایی در سالهای ۱۳۷۸ و

است.

(۱۲-۴) آمده است. گفتنی است که برآیند این شاخص تنها نشان دهنده درصد تهیدستان در جامعه است و تصویری از میزان فقر یا عمق فقر در جامعه به دست نمی دهد. به سخن ساده تر، تنها می توان پی برد که چه تعداد از افراد جامعه تهیدست هستند، نه اینکه افراد جامعه به چه اندازه نادارند. برای دستیابی به پاسخ این پرسش لازم است از شاخص دیگری با عنوان شکاف فقر بهره گیریم. این شاخص از راه فرمول زیر محاسبه می شود:

$$g_i = z - M_i$$

g_i : شکاف فقر در مورد هر خانوار

Z : خط فقر هر خانوار

M_i : میانگین هزینه (درآمد) خانوارهای زیر خط فقر

شکاف فقر در مورد کل جمعیت را می توان به گونه زیر نشان داد:

$$g_i = \sum^n (Z - M_i)$$

با محاسبه شکاف می توان فاصله هر خانوار تهیدست را تا خط فقر به دست آورد، یا به بیان دیگر می توان مشخص کرد که تا چه اندازه باید به هر خانوار تهیدست یا کل خانوارهای تهیدست کمک مالی کرد تا از زیر خط فقر بیرون آیند. بنابراین با در دست داشتن خط فقر کل هر خانوار شهری که برای نمونه در سال ۱۳۷۸ میزان آن ۱۶۸۰۹۵۵۹/۱ ریال بوده است، می توان درصد افراد تهیدست را بر آورد کرد:

با در نظر داشتن میزان خط فقر کل گروه هزینه ای را پیدا می کنیم و چون شمار خانوارهای مشخص شده در این گروه مربوط به کل هزینه مشخص در گروه است، بنابراین باید شمار کسانی که در زیر گروه فقر جای می گیرند بر آورد شود. برای این کار فاصله درون طبقه را در گروه مشخص شده هزینه ای محاسبه می کنیم. برای نمونه ۱۶۸۰۹۵۵۹/۱ در گروه هزینه ای ۱۶۵۰۰۰۰۱ تا ۱۹۵۰۰۰۰۰ ریال جای می گیرد و فاصله درون طبقه ۳۰۰۰۰۰۰ ریال است. از سوی دیگر، تفاوت خط فقر مورد نظر در سال ۷۸ برای سناریوی نخست در مناطق شهری با حد پایین طبقه ریال ۱۶۵۰۰۰۰۰ = ۳۰۹/۵۵۹ است. با به دست آوردن نسبت این دو تفاوت و ضرب در شمار خانوارهای قرار گرفته در این گروه هزینه ای، می توان شمار خانوارهای زیر این خط فقر را بر آورد کرد:

$$\frac{309559}{3000000} = 0.103$$

$$0.103 * 45 = 4.64 \approx 5$$

شیر و ماست: به علت تولید شدن شیر در بیشتر مناطق روستایی استان چه در قالب دامداری های بزرگ و چه از راه نگهداری چند رأس دام در خانه، بهای این فرآورده ها در روستاها ارزان تر از مناطق شهری است.

سبزی ها: در استان یزد کشت کاهو، خیار سبز، گوجه فرنگی، پیاز، چغندر، شلغم، هویج، کدو، اسفناج، بادمجان و برخی از سبزی های خوردنی (نعناع و...) رایج و دامنه کشت آنها چشمگیر است. بنابراین بهای آن در روستاها پایین تر از مناطق شهری در نظر گرفته می شود.

اندازه گیری شدت فقر

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۴-۱۱) خط فقر مطلق بر پایه سناریوهای گوناگون در مناطق شهری و روستایی محاسبه شد و با این معیار می توان افراد تهیدست را از دارا باز شناخت. هر چند با رفتن از سناریوی نخست به سوی سناریوی سوم چه در مناطق روستایی و چه شهری می بینیم که خط فقر پایین تر رفته و هزینه ها کاهش یافته است، با این حال آگاهی از شمار تهیدستان نمی تواند راهگشایی کامل و سودمند برای شناخت مشکل فقر و مبارزه با آن به شمار آید؛ زیرا اگر حتی شمار تهیدستان در دو جامعه یکسان باشد این امکان وجود دارد که شدت و میزان آن در این دو جامعه متفاوت باشد.

علت این وضع را باید وجود نابرابری در توزیع درآمد میان تهیدستان، میانگین درآمد آنان، شمار افراد جامعه و اندازه خط فقر و... دانست که هر یک از آنها بر میزان شدت فقر اثر می گذارد. پس لازم به نظر می رسد که با بهره گیری از شاخصهایی درصد تهیدستان و شدت فقر در جامعه مشخص شود.

با بهره گیری از فرمول زیر می توان درصد تهیدستان در جامعه را بر آورد کرد:

H : شاخص سرانه (درصد تهیدستان)

q : شمار تهیدستان

n : شمار افراد جامعه

$$H = \frac{q}{n} * 100$$

با در دست داشتن خط فقر و آمارهای بودجه خانوار در مناطق شهری و روستایی به تفکیک گروه های هزینه ای و به کار گرفتن فرمول بالا می توان این شاخص را محاسبه کرد. نتایج به دست آمده از بر آورد این شاخص در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ در استان یزد بر پایه سناریوهای گوناگون در جدول

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج به دست آمده از برآورد خط فقر و شاخصهای شدت فقر

۱- مناطق شهری: نتایج به دست آمده از خط فقر در استان یزد نشان می دهد که در هر سال، هر چه از سناریوی نخست به سوی سناریوی سوم می رویم خط فقر کاهش می یابد و این مسأله با چگونگی استخراج خطوط فقر بر پایه سناریوهای گوناگون همخوان است؛ چون در سناریوی نخست ترکیب کالاهای خوراکی به پیشنهاد انستیتو تغذیه و بر پایه تغذیه مناسب بوده و از مقدار بالاتری برخوردار است. در خط فقر بر پایه سناریوی دوم، جانشینی مناسبی میان کالاهای ارزان و کالاهای گران که در يك گروه قرار دارند انجام گرفته است و نسبت به سناریوی نخست مقدار کمتری دارد. در خط فقر بر پایه سناریوی سوم جانشینی کالاهای گران با کالاهای ارزان غیر همگروه انجام شده و تنها ترکیبی از کالاها مورد توجه است که کالری مورد نیاز را تأمین کند و نسبت به سناریوهای نخست و دوم در سطح پایین تری قرار دارد. بر پایه نتایج به دست آمده، به ترتیب درصد افراد تهیدست در سناریوی نخست بیشتر از سناریوی دوم و همچنین سناریوی سوم است و این نکته با نتایج به دست آمده از خط فقر و نوع سناریوهای در نظر گرفته شده همخوانی دارد. چون هزینه های پرداخت شده برای سناریوی نخست بیشتر است، بنابراین خط فقر در سطح بالاتری قرار گرفته و درصد بیشتری از افراد جامعه را در بر می گیرد.

بر همین پایه شکاف فقر نیز در سناریوی نخست بیشتر از دو سناریوی دیگر است. به این معنا که باید درآمد بیشتری به سناریوی نخست نسبت به دو سناریوی دیگر اختصاص دهیم تا خانوارهای فقیر شهری از این وضع رها شوند. همه موارد را می توان به سالهای در نظر گرفته شده گسترش داد؛ به این معنا که در ۱۳۷۸ که سال نخست برنامه سوم توسعه بوده، خط فقر و شکاف فقر و همچنین درصد خانوارهای فقیر نسبت به ۱۳۸۱ که از واپسین سالهای برنامه بوده است کمتر شده و در طول برنامه سوم توسعه افزایش فقر و شدت آن در مناطق شهری استان دیده شده است. افزایش فقر و افزایش شمار خانوارهای فقیر را می توان به عوامل زیر نسبت داد:

- ۱- افزایش تورم و افزایش بهای کالاهای اساسی
- ۲- کاهش کالاهایی اساسی که با یارانه یا به گونه

پس، از ۴۵ خانوار در این گروه هزینه ای تنها ۵ خانوار در زیر خط فقر قرار گرفته اند.

باجمع کردن خانوارهای دیگر پیش از این گروه هزینه ای می توان شمار خانوارهای فقیر را محاسبه کرد و با تقسیم بر شمار کل خانوارهای شهری در سال ۷۸ و ضرب این نسبت در عدد ۱۰۰ درصد خانوارهای فقیر شهری در مناطق شهری برای سناریوی نخست در سال ۱۳۷۸ به دست می آید:

$$\frac{5+78+67+39+86}{525} * 100 = 52/4\%$$

جدولهای مربوط به گروه های هزینه ای به تفکیک مناطق شهری و روستایی برای سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ در پایان این نوشتار آمده است.

از تفاوت میانگین هزینه خانوارهای زیر خط فقر (به تفکیک مناطق شهری و روستایی) و خط فقر مربوط می توان شکاف فقر را برآورد کرد که برای سناریوی نخست در مناطق شهری در سال ۷۸ به میزان: ۶۳۲۱۵۵۱/۸ - ۶۳۲۱۵۵۰ ریال برای هر خانوار به دست می آید؛ به این معنا که لازم است ۶۳۲۱۵۵۱ ریال به گونه میانگین در سال به هر خانوار زیر خط فقر داده شود تا به بالای خط فقر برسد. چنان که از جدول (۴-۱۲) بر می آید، این ارقام در سناریوهای دوم و سوم کمتر می شود چون خط فقر در سناریوهای دوم و سوم به ترتیب به پایین تر منتقل می شود و کمک کمتری برای جبران فقر لازم خواهد بود. میزان کمک یا یارانه لازم به خانوارهای تهیدست را می توان از راه شاخصی با عنوان شاخص سن و کاکوانی محاسبه کرد که از راه زیر به دست می آید:

$$P = f(p^1) \frac{Z - \mu^0}{\mu}$$

Z: خط فقر

F(p¹): درصد افراد زیر خط فقر

M⁰: هزینه (درآمد) گروه های زیر خط فقر

μ: هزینه (درآمد) متوسط جامعه

این شاخص را برای سناریوی نخست در مناطق شهری استان در سال ۷۸ چنین محاسبه می کنیم:

$$P = \frac{(16809559 - 10488008)}{20015283} * 52/4\% = 16/5\%$$

به این معنا که اگر ۱۶/۵ درصد از هزینه های خانوارهای بالای خط فقر به افراد زیر خط فقر منتقل شود، همه خانوارهای زیر خط فقر در این سناریو به بالای خط فقر منتقل می شوند.

کمتری می‌پردازند. از این رو خط فقر خوراکی در مناطق روستایی کمتر است.

در مقایسه تطبیقی شاخص سن و کاکوانی در مناطق شهری و روستایی دیده می‌شود که در سناریوی نخست در دو سال ۷۸ و ۸۱، مناطق شهری سهم بیشتری از این شاخص دارند. این مسأله می‌تواند به علت گرایش بیشتر به مصرف کالاهای لوکس و گرانبها در مناطق شهری و همچنین هزینه بالاتر و عوامل مهمی چون تورم باشد.

اما در مورد سناریوهای دوم و سوم تنها در سال ۸۱ این شاخص در مناطق روستایی میزان بیشتری نسبت به مناطق شهری دارد. علت آنرا می‌توان به جانشینی کالاها در سناریوها پیوند داد زیرا در سناریوهای دوم و سوم، بیشتر کالاهایی جانشین کالاهای سناریوی نخست شده است که در مناطق روستایی بهای بالاتری دارد مانند گوشت مرغ و ماهی و در نتیجه آثار تورمی قیمتها در مناطق روستایی بیشتر نمایان است. بنابراین چنین می‌نماید که در سناریوهای دوم و سوم در آمد بیشتری باید به افراد زیر خط فقر در مناطق روستایی منتقل شود تا به بالای خط فقر برسند. گفتنی است که تفاوت این شاخص در سناریوهای دوم و سوم در سال ۸۱ در مناطق روستایی و شهری زیاد نیست و به سختی می‌توان میزان کمک مالی و یارانه لازم را به خانوارهای تهیدست در استان در همه مناطق، یکسان و کمابیش مانند هم در نظر گرفت.

جمع‌بندی و پیشنهادها

پیش از جمع‌بندی و پیشنهادها، باید گفت که در این پژوهش شوربختانه مشکلاتی در دسترسی به آمارهای دقیق و برآورد واقعی و بی‌خطای فقر و شاخصهای آن وجود داشته است که فشرده آنها چنین است:

(۱) نبود دسترسی به آمارهای مستند و مورد نیاز برای انجام پژوهشهایی از این دست.

(۲) نبود دسترسی به قیمتهای واقعی برخی محصولات به تفکیک مناطق شهری و روستایی بویژه در مناطق روستایی و در نظر گرفته شدن میانگینی از قیمت اعلام شده از سوی مراکز فروش.

(۳) نبود جدول‌های سهم دهک‌های هزینه‌ای در مناطق شهری و روستایی استان.

چنان که بیشتر گفته شد، در این پژوهش فقر مطلق بر پایه سه سناریو برآورد شده است که سناریوی نخست همان

سهمیه‌ای توزیع می‌شده است

۳- تغییر بهای کالاهای سهمیه‌ای از قیمتهای ثابت به قیمتهای تعادلی

۴- خارج شدن برخی کالاهای اساسی از نظام سهمیه‌بندی و عرضه آنها به گونه آزاد.

از راه شاخص سن و کاکوانی نیز چنین برداشت می‌شود که در مناطق شهری در سال ۸۱ نسبت به سال ۷۸، در آمد افراد بالای خط فقر برای از میان بردن فقر مورد نیاز است. این شدت فقر در سناریوهای دوم و سوم نیز به چشم می‌خورد که میزان افزایش آن نسبت به سناریوهای نخست در دو سال ۸۱ و ۷۸ کمتر بوده و بر سر هم می‌توان گفت که فقر و مشکلات بر خاسته از آن در طول این سالها افزایش یافته است.

۲- مناطق روستایی: نتایج به دست آمده از خط فقر و شکاف فقر در مناطق روستایی نیز مانند مناطق شهری از سناریوی نخست به سناریوی سوم کاهش می‌یابد. همچنین در سال ۷۸ نسبت به سال ۱۳۸۱ درصد خانوارهای فقیر و شدت فقر در مناطق روستایی افزایش یافته و برای سناریوی نخست بیشترین درصد فقر و شدت در این دو سال دیده شده است. در مناطق روستایی هم، افزایشی در شاخص سن و کاکوانی در سال ۷۸ نسبت به سال ۸۱ به چشم می‌خورد.

۳- مقایسه تطبیقی خط فقر در شدت آن در مناطق شهری و روستایی استان: با مقایسه خط فقر در مناطق شهری و روستایی بر پایه هر سناریو در سالهای مشخص شده، این نکته روشن می‌شود که رقم خط فقر در مناطق شهری بالاتر از مناطق روستایی استان بوده است. اگر نوع و چگونگی زندگی در مناطق روستایی و شهری بررسی شود، دیده می‌شود که درآمدهای بالاتر شهری و در برابر، هزینه‌های گزاف‌تر این مناطق نسبت به مناطق روستایی، همچنین تنوع کالاها و خدمات، آزادی بیشتر در گزینش کالاها و خدمات و مصرف بیشتر آنها، تورم روزافزون و بیشتر در مناطق شهری و تمایل بیشتر خانوارهای شهری به مصرف کالاهای لوکس و تجملی می‌تواند دلایل بالاتر بودن رقم خط فقر در مناطق شهری باشد.

از سوی دیگر، با مقایسه کالاهای اساسی یارانه‌ای می‌توان به این واقعیت رسید که برای برخی کالاها، خانوارهای روستایی، هم سهم بیشتری (چه به گونه تعادلی و چه یارانه‌ای) دریافت می‌کنند و هم در پاره‌ای موارد بهای

۳) برای ایجاد اشتغال بیشتر در راستای از میان بردن فقر، مهارتها و فنون در جامعه ترویج و آموزش داده شود.

۴) سیاست‌های مالیاتی به گونه‌ای اصلاح شود که مالیات بیشتر برای کسانی باشد که درآمد بیشتری دارند (مالیات بر درآمد) بویژه آنان که دارایی‌های هنگفت دارند.

۵) اختصاص یافتن در دست و بهینه‌یارانه‌ها به افراد.

۶) قرار دادن کالاهای اساسی و مهمتر از گروه کالاهای یارانه‌ای در سبد خانوار.

۷) اصلاح شیوه‌های توزیع یارانه‌ها. چون بیشتر درآمد ایران از منابع نفتی است، چنین می‌نماید که شیوه توزیع این یارانه‌ها باید اصلاح شود. برای نمونه، می‌توان از مالیات بر درآمد گروه‌های پردرآمد جامعه، منبع استواری برای یارانه‌ها پدید آورد و با توزیع درست یارانه‌ها در میان گروه‌های کم درآمد با فقر مبارزه کرد.

۸) برقراری تأمین اجتماعی. تأمین اجتماعی را می‌توان راهکاری برای رویارویی با نبود امنیت اقتصادی و نگرانی از جهت از دست رفتن درآمد به شمار آورد.

۹) بهبود امکانات و زیرساختها و پدید آوردن فرصتهای شغلی مناسب در روستاها.

۱۰) کاهش تفاوت قیمت خرید محصولات در مناطق روستایی و قیمت فروش آنها در مناطق شهری.

۱۱) افزایش سود تولیدکنندگان در روستاها به منظور تشویق آنان به تولید بیشتر.

۱۲) ترویج فرهنگ درست زندگی و دوری از تجمل‌گرایی در مناطق شهری.

۱۳) چون استان یزد زیر مجموعه‌ای از کل کشور است که از سیاستهای کلی دولت پیروی می‌کند، ایجاد دگرگونی گسترده در ساختار اقتصادی بخشهای گوناگون کشور (به گونه کلی) نیز در این زمینه کارساز خواهد بود و سرانجام اینکه مسئله مبارزه با فقر را نباید بعنوان هدفی در نظر گرفت که در کوتاه مدت تحقق می‌یابد. فقر مقوله‌ای است پیچیده و دامنه‌دار که باید در برنامه‌ریزی‌های درازمدت استانی و کشوری با آن مبارزه کرد.

یادداشت‌ها

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی - سالنامه آماری استان یزد، ۱۳۸۱.
۲. تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

الگوی پیشنهادی تغذیه مناسب و الگوی دوم نشانده شدن کالاهای ارزان به جای کالاهای گران همگروه و سناریوی سوم نشانده شدن کالاهای ارزان به جای کالاهای گران غیر همگروه بوده است.

هر چه از سناریوی نخست به سناریوی سوم چه در مناطق شهری و چه روستایی پیش رفته‌ایم خط فقر و شدت آن کاهش یافته است. گفتنی است که جدولهای به دست آمده از هزینه خط فقر سرانه سالانه برای یک نفر است و برای محاسبه در مورد یک خانوار چند نفری می‌بایست هزینه کل آنها به دست آید. در مناطق شهری افزایش خط فقر کل سالانه از سال ۷۸ به ۸۱ را داشته‌ایم که می‌تواند بیانگر سطح درآمد بیشتر و در نتیجه سطح هزینه بالاتر باشد. اما شاخص شدت فقر و درصد افراد تهیدست در مناطق شهری در سال ۸۱ نسبت به سال ۷۸ گویای آن است که کسان بیشتری در زیر خط فقر قرار گرفته‌اند و شاید به گونه‌ای بتوان به توزیع نابرابر درآمد اشاره کرد. پس در پایان برنامه سوم توسعه شاهد افزایش فقر و مشکلات برخاسته از آن بوده‌ایم. بی‌گمان مشکل افزایش روزافزون قیمتها بویژه بهای کالاهای اساسی می‌تواند عاملی بسیار مهم در ایجاد شرایط یاد شده باشد.

در مناطق روستایی هم افزایش خط فقر از ۱۳۷۸ به ۱۳۸۱ دیده می‌شود و همچنین درصد خانوارهای فقیر روستایی نیز در این روند افزایش یافته است. چنین می‌نماید که افزایش قیمتها و تورم روزافزون نیز بر اوضاع اقتصادی روستاها اثرگذار بوده است. بدین سان، خانوارهای روستایی که تولیدکننده بسیاری از محصولات اساسی هستند، از نابرابری قیمتها یا به سخن دیگر از ارزان خری واسطه‌ها و گران فروخته شدن همان محصولات در مناطق شهری رنج می‌برند و همین باعث دلسردی آنها در زمینه تولید می‌شود.

بر پایه آمارهای موجود و نتایج به دست آمده از این پژوهش، راههایی برای از میان بردن فقر در سطح استان پیشنهاد و نکاتی یادآوری می‌شود:

۱) زمینه کاهش تورم چه در مناطق شهری و چه روستایی فراهم آید.

۲) تورم موجود باعث ایجاد فشارهای تورمی در جامعه می‌شود و افزایش قیمتها به ناتوانایی بیشتر شهروندان در تأمین حداقل نیازها می‌انجامد و بدین سان کسان بیشتری در گروه تهیدستان قرار می‌گیرند.

جدول شماره (۵-۴) سناریوی نخست: الگوی پیشنهادی برای تغذیه مناسب در مناطق شهری و روستایی استان یزد (۱۳۷۸)

هزینه تأمین	مناطق روستایی						مناطق شهری						کلا
	میانگین قیمت			مقدار و شیوه تأمین			میانگین قیمت			مقدار و شیوه تأمین			
	آزاد (۲)	تعدادی (۱)	پارانه‌ای (۱)	آزاد	تعدادی (۱)	پارانه‌ای (۱)	آزاد (۲)	تعدادی (۱)	پارانه‌ای (۱)	آزاد	تعدادی (۱)	پارانه‌ای (۱)	
در سال (ریال)	۳۷۷۲۲/۶	۳۳۰/۹	-	۹۰	-	۷۴۶۷	۶۵/۵	-	-	۹۰	-	-	نان
	۱۸۴۰۵۰	۶۵۰۰	۵۰۰	۲۷	۴/۵	۱۵۷۸۲۵	۶۰۰۰	۴/۵	۴/۵	۲۴	۷/۵	۴/۵	برنج
	۶۹۱۲۰	۶۴۰۰	-	۱۰/۸	-	۶۹۱۲۰	۶۴۰۰	-	-	۱۰/۸	-	-	حبوب
	۱۸۰۰۹	۲۹۲۵	۱۷۰	۱/۸	۷/۲	۳۲۶۹۷	۲۹۲۵	۷/۲	۱۷۰	۹	۳/۶	۳/۶	قند و شکر
	۳۷۴۹۶/۲	۶۴۴۴	۶۰۰	۴/۵	۲/۲۵۰	۲۵۷۳۵	۶۴۴۴	۲/۲۵۰	۶۰۰	۰/۹	۵/۸۵۰	۲/۲۵۰	روغن
	۱۳۷۷۰۰	۱۲۷۵۰	-	۱۰/۸	-	۱۸۳۶۰۰	۱۷۰۰۰	-	-	۱۰/۸	-	-	گوشت قرمز
	۷۹۲۰۰	۸۸۰۰	-	۹	-	۷۸۷۵۰	۸۷۵۰	-	-	۹	-	-	گوشت سفید
	۹۰۰۹۰	۱۲۵۱۲/۵	-	۷/۲	-	۹۰۰۹۰	۱۲۵۱۲/۵	-	-	۷/۲	-	-	گوشت ماهی
	۲۷۹۰۰	۳۱۰۰	-	۹	-	۲۹۷۰۰	۳۳۰۰	-	-	۹	-	-	تخم مرغ
	۳۷۴۸۶/۸	۱۰۴۱/۳	-	۳۶	-	۴۲۳۲۶	۱۱۷۶	-	-	۳۶	-	-	شیر
	۴۴۶۸۶/۸	۱۳۴۱/۳	-	۳۶	-	۶۰۳۳۶	۱۶۷۶	-	-	۳۶	-	-	ماست
	۸۶۴۰۰	۱۲۰۰۰	-	۷/۲	-	۸۲۹۰۰	۱۲۰۰۰	-	۵۰۰۰	۶/۷	-	۰/۵	پنیر
	۳۶۴۷۸	۳۱۷/۲	-	۱۱۵	-	۱۱۶۱۵۰	۱۰۱۰	-	-	۱۱۵	-	-	سبزیها
	۱۲۶۴۲۸/۴	۱۰۰۳/۴	-	۱۲۶	-	۲۰۷۹۰۰	۱۶۵۰	-	-	۱۲۶	-	-	میوهها
	۱۰۱۲۷۶۷/۸					۱۱۸۴۶۰۶							جمع

خط فقر خوراکی سرانه سالانه در مناطق شهری

خط فقر خوراکی سرانه سالانه در روستاها

(۱) جدول شماره (۳-۴) و جدول شماره (۴-۴)

(۲) اداره بازرگانی استان، مرکز جمع‌آوری مستقیم

جدول شماره (۶-۴) سناریوی دوم: نقشسن کالاهای ارزان به جای کالاهای گران همگروه در مناطق شهری و روستایی استان یزد (۱۳۷۸)

هزینه تأمین در سال (ریال)	مناطق روستایی				مناطق شهری				کالا
	میانگین قیمت		مقدار و شیوه تأمین		میانگین قیمت		مقدار و شیوه تأمین		
	آزاد (۲)	تعالی (۱)	آزاد (۱)	تعالی (۱)	آزاد (۱)	تعالی (۱)	آزاد (۱)	تعالی (۱)	
۳۷۷۲۲/۶	۳۳۰/۹	-	۱۱۴	-	۶۵/۵	۷۴۶۷	۱۱۴	-	نان
۲۹۶۷۵	۶۵۰۰	۵۰۰	۳/۲۵	۴/۵	۶۰۰۰	۱۵۳۰۰	۰/۲۵	۴/۵	برنج
۶۹۱۱۰	۶۴۰۰	-	۱۰/۸	-	۶۴۰۰	۶۹۱۲۰	۱۰/۸	-	حبوب
۱۸۰۰۹	۲۹۲۵	۱۷۰	۱/۸	۷/۲	۲۹۲۵	۳۲۶۹۷	۹	۳/۶	قند و شکر
۳۷۴۶۹/۲	۶۴۴۴	۳۱۷۷	۴/۵	۲/۲۵۰	۶۴۴۴	۲۵۷۳۵	۰/۹	۲/۲۵۰	روغن
۴۵۹۰۰	۱۲۷۵۰	-	۳/۶	-	۱۷۰۰۰	۶۱۲۰۰	۳/۶	-	گوشت قرمز
۱۱۰۸۸۰	۸۸۰۰	-	۱۲/۶	-	۸۷۵۰	۱۱۰۲۵۰	۱۲/۶	-	گوشت سفید
۱۳۵۱۳۵	۱۲۵۱۲/۵	-	۱۰/۸	-	۱۲۵۱۲/۵	۱۳۵۱۳۵	۱۰/۸	-	گوشت ماهی
۲۷۹۰۰	۳۱۰۰	-	۹	-	۳۳۰۰	۲۹۷۰۰	۹	-	تخم مرغ
۵۶۲۳۰/۲	۱۰۴۱/۳	-	۵۴	-	۱۱۷۶	۶۲۵۰۴	۵۴	-	شیر
۲۶۰۶۷/۳	۱۲۴۱/۳	-	۲۱	-	۱۶۷۶	۲۵۱۹۶	۲۱	-	مالس
۸۶۴۰	۱۲۰۰۰	-	۰/۷۲	-	۱۲۰۰۰	۵۱۴۰	۰/۷۲	۰/۵	پنیر
۳۶۴۷۸	۳۱۷/۲	-	۱۱۵	-	۱۰۱۰	۱۱۶۱۵۰	۱۱۵	-	سبزیها
۱۲۶۴۲۸/۴	۱۰۰۳/۴	-	۱۲۶	-	۱۶۵۰	۲۰۷۹۰۰	۱۲۶	-	میوهها
۷۶۵۵۴/۷		خط فقر خوراکی سرانه سالانه در روستاها		خط فقر خوراکی سرانه سالانه در مناطق شهری		۹۱۴۴۹۴			جمع

(۱) جدول شماره (۳-۴) و جدول شماره (۴-۴)

(۲) اداره بازرگانی استان، مراجعه مستقیم

جدول شماره (۷-۴) سناریوی سوم: نقش کلانهای ارزانه به جای کلانهای غیرهمگروه در مناطق شهری و روستایی استان یزد (۱۳۷۸)

هزینه تأمین در سال (ریال)	مناطق روستایی				مناطق شهری				کلان	
	میانگین قیمت		مقدار و شیوه تأمین		میانگین قیمت		مقدار و شیوه تأمین			
	آزاد (۲)	تعدلی (۱)	پارانه‌ای (۱)	آزاد (۱)	تعدلی (۱)	پارانه‌ای (۱)	آزاد (۱)			
۳۷۷۲/۶	۳۳۰/۹	-	-	۱۱۴	-	-	۱۱۴	۱۱۴	نان	
۲۹۶۷۵	۶۵۰۰	۴/۵	۴/۵	۳/۲۵	۴/۵	۵۰۰	۰/۲۵	۱۲/۲۵	برنج	
۱۸۵۶۰۰	۶۴۰۰	-	-	۲۹	-	-	۲۹	۲۹	حبوب	
۱۸۰۰۹	۲۹۲۵	۷/۲	۷/۲	۱/۸	۷/۲	۱۷۰	۹	۳/۶	قند و شکر	
۳۷۴۹۶/۲	۶۴۴۴	۲/۲۵	۲/۲۵	۴/۵	۲/۲۵	۶۰۰	۰/۹	۲/۲۵۰	روغن	
۴۵۹۰۰	۱۲۷۵۰	-	-	۳/۶	-	-	۳/۶	-	گوشت قرمز	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	گوشت سفید	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	گوشت ماهی	
۲۲۳۲۰	۳۱۰۰	-	-	۷/۲	-	-	۷/۲	-	تخم مرغ	
۵۶۲۳۰/۲	۱۰۴۱/۳	-	-	۵۴	-	-	۵۴	-	شیر	
۲۲۴۴۳/۴	۱۲۴۱/۳	-	-	۱۸	-	-	۱۸	-	مالست	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	پنیر	
۳۶۴۷۸	۳۱۷/۲	-	-	۱۱۵	-	-	۱۱۵	-	سبزیها	
۱۲۶۴۲۸/۴	۱۰۰۳/۴	-	-	۱۲۶	-	-	۱۲۶	-	میوهها	
۶۱۸۱۰۲/۸		خط فقر خوراکی سرانه سالانه در روستاها				خط فقر خوراکی سرانه سالانه در مناطق شهری				جمع

(۱) جدول شماره (۳-۲) و جدول شماره (۴-۳)
 (۲) اداره بازرگانی استان، مراجعه مستقیم

جدول شماره (۸-۴) سناریوی نضت: الگوی پیشنهادی تغذیه مناسب در مناطق شهری و روستایی استان یزد سال ۱۳۸۱

هزینه تامین (در سال ریال)	مناطق روستایی				مناطق شهری				کالا
	میانگین قیمت		مقدار و شیوه تامین		میانگین قیمت		مقدار و شیوه تامین		
	آزاد (۲)	تغذایی (۱)	پارانه‌ای (۱)	آزاد	تغذایی (۱)	پارانه‌ای (۱)	آزاد	تغذایی (۱)	
۷۲۲۵۳/۲	۶۳۳/۸	-	-	۹۰	-	-	۹۰	-	نان
۳۳۰۸۶۵	۷۵۰۰	۵۷۰	۳	۳۰	۳	۱۳۸۵	۳۰	۳	برنج
۵۸۳۲۰	۵۴۰۰	-	-	۱۰/۸	-	-	۱۰/۸	-	حبوب
۲۷۴۴۰/۴	۴۱۷۰	۱۰۲۷	۱۲	۳	۱/۲۰۰	۲۱۷۲	۷/۸	۷/۲	قند و شکر
۳۶۶۷۹/۶	۷۷۷/۷	۲۰۷۴	۴/۵	۲/۷	۱/۸	۳۵۲۶	۲/۷	۴/۵	روغن
۳۳۳۴۶۰	۲۹۹۵۰	-	-	۱۰/۸	-	-	۱۰/۸	-	گوشت قرمز
۱۱۲۵۰۰	۱۲۵۰۰	-	-	۹	-	-	۹	-	گوشت سفید
۱۷۲۲۸۰	۱۴۹۰۰	-	-	۷/۲	-	-	۷/۲	-	گوشت ماهی
۲۸۸۰۰	۳۲۰۰	-	-	۹	-	-	۹	-	تخم مرغ
۵۴۷۲۰	۱۵۲۰	-	-	۳۶	-	-	۳۶	-	شیر
۷۲۷۲۰	۲۰۲۰	-	-	۳۶	-	-	۳۶	-	ملس
۱۱۵۲۰۰	۱۶۰۰۰	-	-	۷/۲	-	-	۶/۷	۰/۵	پنیر
۵۷۵۹۲	۵۰/۸	-	-	۱۱۵	-	-	۱۱۵	-	سبزیها
۱۹۶۰۹۳/۸	۱۵۵۶/۳	-	-	۱۲۶	-	-	۱۲۶	-	میوهها
۱۴۹۹۲۴	۱۶۵۵۱۸۶/۷	خط فقر خوراکی سرانه سالانه در مناطق شهری							

مأخذ: (۱) جدول شماره (۳-۴) و جدول شماره (۴-۴)

(۲) اداره بارگالی استان، مرآة مستقیم

جدول شماره (۴-۹) سناریوی دوم: نشستن کالاهای ارزان به جای کالاهای گران همگروه در مناطق شهری و روستایی استان یزد (۱۳۸۱)

هزینه نامین در سال (ریال)	مناطق روستایی				مناطق شهری				کیلوگرم در سال بر اساس سناریوی دوم	کالا
	میانگین قیمت		مقدار و شیوه نامین		میانگین قیمت		مقدار و شیوه نامین			
	آزاد (۲)	تعدادی (۱)	پارانه‌ای (۱)	آزاد	تعدادی (۱)	پارانه‌ای (۱)	آزاد	تعدادی (۱)		
۷۲۲۵۳/۲	۶۳۳/۸	-	-	۱۱۴	-	-	۱۱۴	-	۱۱۴	نان
۵۲۷۴۰	۷۵۰۰	۱۳۸۵	۳	۶/۲۵	۳	۵۷۰	۶/۲۵	۳	۱۲/۲۵	برنج
۵۸۳۲۰	۵۴۰۰	-	-	۱۰/۸	-	-	۱۰/۸	-	۱۰/۸	حبوب
۲۷۴۴۰/۴	۴۱۷۰	۲۱۷۲	۱۲	۳	۱۲۰۰	۱۲۱۸	۷/۸	۱/۲	۱۶/۲	قند و شکر
۳۶۶۷۹/۶	۷۷۷۷/۷	۳۵۲۶	۱/۸	۲/۷	۴/۵	۲۰۷۴	۲/۷	۱/۸	۴/۵	روغن
۱۰۷۸۲۰	۲۹۹۵۰	-	-	۳/۶	-	-	۳/۶	-	۳/۶	گوشت قرمز
۱۵۷۵۰۰	۱۲۵۰۰	-	-	۱۲/۶	-	-	۱۲/۶	-	۱۲/۶	گوشت سفید
۱۶۰۹۲۰	۱۴۹۰۰	-	-	۱۰/۸	-	-	۱۰/۸	-	۱۰/۸	گوشت ماهی
۲۸۸۰۰	۳۲۰۰	-	-	۹	-	-	۹	-	۹	تخم مرغ
۸۲۰۸۰	۱۵۲۰	-	-	۵۴	-	-	۵۴	-	۵۴	شیر
۴۲۴۲۰	۲۰۲۰	-	-	۲۱	-	-	۲۱	-	۲۱	ماست
۱۱۵۲۰۰	۱۶۰۰۰	-	-	۷/۲	-	۱۴۳۷	۰/۲۲	-	۰/۷۲	پنیر
۵۷۵۹۲	۵۰۰/۸	-	-	۱۱۵	-	-	۱۱۵	-	۱۱۵	سبزیها
۱۹۶۰۹۳/۸	۱۵۵۶/۳	-	-	۱۲۶	-	-	۱۲۶	-	۱۲۶	میوهها
۱۱۹۵۸۵۹										جمع

خط فقر خوراکی سرانه سالانه در مناطق شهری

۱۲۳۰۹۶۸/۲

ماخذ: (۱) جدول شماره (۳-۴) و جدول شماره (۴-۴)

(۲) اداره بارز گاو استان، مراجعه مستقیم

جدول شماره (۱-۴) سناریوی سوم: نشستن کالاهای ارزان به جای کالاهای گران غیرهمگروه در مناطق شهری و روستایی استان یزد (۱۳۸۱)

هزینه تأمین در سال (ریال)	مناطق روستایی				مناطق شهری				کالا
	میانگین قیمت		مقدار و شیوه تأمین		میانگین قیمت		مقدار و شیوه تأمین		
	آزاد (۲)	تعالی (۱)	آزاد	تعالی (۱)	تعالی (۱)	آزاد (۲)	تعالی (۱)	تعالی (۱)	
۷۲۲۵۳۲	۶۳۳/۸	-	۱۱۴	-	۱۳۵۲	۱۱۸	-	۱۱۴	نان
۵۲۷۴۰	۷۵۰۰	۵۷۰	۶/۲۵	۳	۴۹۶۱۵	۷۰۰۰	۵۷۰	۶/۲۵	برنج
۱۴۰۴۰۰	۵۴۰۰	-	۲۹	-	۱۵۶۶۰۰	۵۴۰۰	-	۲۹	حبوب
۲۷۴۴۰/۴	۴۱۷۰	۱۰۲۷	۳	۱/۲۰۰	۴۳۹۰۲	۴۱۷۰	۱۲۱۸	۷/۸	قند و شکر
۳۶۶۹/۶	۷۷۷/۷	۲۰۷۴	۲/۷	۱/۸	۳۶۶۹/۶	۷۷۷/۷	۲۰۷۴	۱/۸	روغن
۱۰۷۸۲۰	۲۹۹۵۰	-	۳/۶	-	۱۲۰۶۰۰	۳۳۵۰۰	-	۳/۶	گوشت قرمز
-	-	-	-	-	-	-	-	-	گوشت سفید
-	-	-	-	-	-	-	-	-	گوشت ماهی
۲۳۰۴۰	۳۲۰۰	-	۷/۲	-	۲۳۵۱۶/۶	۳۲۶۶/۶	-	۷/۲	تخم مرغ
۸۲۰۸۰	۱۵۲۰	-	۵۴	-	۹۱۲۸۷	۱۶۹۰/۵	-	۵۴	شیر
۳۶۳۶۰	۲۰۲۰	-	۱۸	-	۲۸۴۲۹	۲۶۹۰/۵	-	۱۸	مالست
-	-	-	-	-	-	-	-	-	پنیر
۵۷۵۹۲	۵۰۰/۸	-	۱۱۵	-	۱۷۰۲۰۰	۱۴۸۰	-	۱۱۵	سبزیها
۱۹۶۰۹۳/۸	۱۵۶/۳	-	۱۲۶	-	۲۴۴۶۵۲/۲	۱۹۴۱/۷	-	۱۲۶	میوهها
۸۳۲۴۹					۹۹۸۹۳۵/۴				جمع

خط فقر خوراکی سرانه سالانه در مناطق شهری

خط فقر خوراکی سرانه سالانه در روستاها

مآخذ: (۱) جدول شماره (۳-۴) و جدول شماره (۴-۴)

(۲) اداره بازرگانی استان، مراجعه مستقیم

جدول شماره (۱۱-ع) خط فقر کل و خط خوراکی بر پایه سناریوهای گوناگون در مناطق شهری و روستایی در سالهای ۷۸ و ۸۱

۱۳۸۱			۱۳۷۸			خط فقر سالانه
سناریوی سوم	سناریوی دوم	سناریوی نخست	سناریوی سوم	سناریوی دوم	سناریوی نخست	
۹۹۸۹۳۵/۴	۱۲۳۰۹۶۸/۲	۱۶۵۵۱۸۶/۷	۷۶۹۴۸۱	۹۱۴۴۹۴	۱۱۸۴۶۰۶	خط فقر سرانه سالانه شهری
۴۰۹۵۶۳۵/۱	۵۰۴۶۹۶۹/۶	۶۷۸۶۲۶۵/۵	۳۳۰۸۷۶۸/۳	۳۹۳۲۳۲۴/۲	۵۰۹۳۸۰۵/۸	خط فقر خوراکی خانوار شهری
۱۵۹۷۲۹۷۶/۹	۱۹۶۸۳۱۸۱/۴	۲۶۴۶۶۴۳۵/۴	۱۰۹۱۸۹۳۵/۴	۱۲۹۷۶۶۶۹/۹	۱۶۸۰۹۵۵۹/۱	خط فقر کل هر خانوار شهری
۸۳۲۴۹۹	۱۱۹۵۸۵۹	۱۴۹۳۹۲۴	۶۱۸۲۰۲/۸	۷۶۵۶۵۴/۷	۱۰۱۲۷۶۷/۸	خط فقر خوراکی سرانه سالانه روستایی
۳۱۶۳۴۹۶/۲	۴۵۴۲۲۶۴/۲	۵۶۷۶۹۱۱/۲	۲۵۳۴۶۳۱/۵	۳۱۳۹۱۸۴/۳	۴۱۵۲۳۴۸	خط فقر خوراکی خانوار روستایی
۸۵۴۱۴۳۹/۷	۱۲۲۶۹۵۱۳/۴	۱۵۳۲۷۶۶۰/۲	۶۳۳۶۵۷۸/۷	۷۸۴۷۹۶۰/۷	۱۰۳۸۰۸۷۰	خط فقر کل هر خانوار روستایی

مأخذ: داده‌های مورد بررسی

جدول شماره (۱۲-ع) شاخص‌های اندازه‌گیری شدت فقر بر پایه سناریوهای گوناگون (سالهای ۷۸ و ۸۱)

۱۳۸۱			۱۳۷۸			شاخص فقر سال
سناریوی سوم	سناریوی دوم	سناریوی نخست	سناریوی سوم	سناریوی دوم	سناریوی نخست	
۲۹/۱	۴۰/۹	۵۷/۱	۳۵/۴	۳۹/۸	۵۲/۴	درصد خانوارهای زیر خط فقر در مناطق شهری
۲۹/۴	۴۱/۸	۵۰/۹	۲۵/۹	۳۲/۸	۴۴	درصد خانوارهای زیر خط فقر در مناطق روستایی
۸۵۸۷۲۷۹/۹	۱۲۰۶۹۴۰۷/۲	۱۶۸۴۹۹۵۴/۸	۷۰۸۵۴۱۰/۲	۷۹۶۶۰۸۲/۶	۱۰۴۸۸۰۰۸/۳	میانگین هزینه خانوارهای شهری زیر خط فقر (ریال)
۵۸۰۶۳۱۵/۴	۸۲۵۵۲۳۷/۵	۱۰۰۵۲۴۳۰/۳	۴۰۳۶۷۵۳/۸	۵۱۱۲۱۸۲/۴	۶۸۵۷۸۰۵/۷	میانگین هزینه خانوارهای روستایی زیر خط فقر (ریال)
۷۳۸۵۶۹۷	۷۶۱۳۷۷۴/۲	۹۶۱۶۴۸۰/۶	۳۸۳۳۵۲۵/۲	۵۰۱۰۵۸۷/۳	۶۳۲۱۵۵۰/۸	شکاف فقر هر خانوار شهری (ریال)
۲۷۳۵۱۲۴/۳	۴۰۱۴۲۷۶	۵۲۷۵۲۳۰	۲۲۹۹۸۲۴/۹	۲۷۳۵۷۷۸/۳	۳۵۲۳۰۶۴/۳	شکاف فقر هر خانوار روستایی (ریال)
۷/۳	۱۰/۵	۱۸/۶	۶/۸	۱۰	۱۶/۵	شاخص کاکوانی در مناطق شهری (درصد)
۴/۱	۸/۵	۱۳/۶	۳/۸	۵/۷	۹/۹	شاخص کاکوانی در مناطق روستایی (درصد)

مأخذ: داده‌های مورد بررسی

جدول شماره (۱۳-ع) میانگین هزینه های خوراکی و غیر خوراکی و کل سالانه یک خانوار شهری بر پایه گروه های هزینه در استان یزد (۱۳۷۸)

گروه های هزینه سالانه	میانگین کل	۷۲۰۰۰۰ ریال و کمتر	۷۲۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰ تا ۱۶۵۰۰۰۰	۱۶۵۰۰۰۰ تا ۱۹۵۰۰۰۰	۱۹۵۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰ تا ۴۵۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰ ریال و بیشتر
میانگین هزینه های خوراکی و دخانی (ریال)	۶۰۴۹۴۷۰	۱۸۱۶۶۱۶	۲۶۶۴۰۶۲	۳۶۲۵۰۳۵	۵۲۶۵۹۵۰	۶۳۶۰۴۳۰	۶۶۰۵۳۰۰	۸۱۴۸۴۸۸	۹۴۸۴۰۵۸	۱۲۳۲۴۷۰۳	۱۷۲۴۱۳۷۸
میانگین هزینه های غیر خوراکی (ریال)	۱۳۹۶۵۸۱۳	۲۱۳۳۴۴۶	۵۳۳۱۳۹۸	۶۵۶۶۱۹۷	۸۳۵۷۴۶۶	۱۱۱۹۷۹۶۴	۱۴۳۰۳۰۷۶	۱۷۰۳۸۶۵۸	۲۵۶۶۶۰۹۳	۳۷۷۲۵۰۸۳	۶۵۷۳۹۴۸۱
میانگین هزینه کل	۲۰۰۱۵۲۸۳	۳۹۵۰۰۶۲	۷۹۹۵۴۶۰	۱۰۱۹۱۱۲۳۲	۱۳۶۲۳۴۱۶	۱۷۵۵۸۳۹۴	۲۰۹۰۸۳۷	۲۵۱۸۷۱۴۶	۳۵۱۵۰۱۵۱	۵۰۰۴۹۷۸۶	۸۲۹۸۰۸۵۹
شمار خانوار	۵۲۵	۸۶	۳۹	۶۷	۷۸	۴۵	۵۱	۵۱	۶۹	۲۱	۱۸

مأخذ: نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری - مرکز آمار ایران - ۱۳۷۸

جدول شماره (۱۴-ع) میانگین هزینه های خوراکی و غیر خوراکی و کل سالانه یک خانوار روستایی بر پایه گروه های هزینه در استان یزد (۱۳۷۸)

گروه های هزینه سالانه	میانگین کل	۵۰۰۰۰۰ ریال و کمتر	۵۰۰۰۰۰ تا ۷۲۰۰۰۰۰	۷۲۰۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰ تا ۱۶۵۰۰۰۰۰	۱۶۵۰۰۰۰۰ تا ۱۹۵۰۰۰۰۰	۱۹۵۰۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰ تا ۴۵۰۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰۰ ریال و بیشتر
میانگین هزینه های خوراکی و دخانی	۶۱۶۸۳۸۵	۱۳۴۸۱۴۷	۲۹۳۹۶۹۹	۳۸۳۱۲۲۱	۴۶۱۶۷۹۹	۶۵۴۹۴۳۱	۷۰۸۸۱۱۱	۸۶۶۴۶۵۱	۹۱۵۳۴۳۲	۱۳۴۹۶۸۸۴	۱۸۶۱۶۹۲۸
میانگین هزینه های غیر خوراکی	۹۴۱۷۵۳۷	۱۰۲۵۳۰۳	۳۱۵۹۷۸۷	۴۱۷۷۵۶۸	۵۵۶۴۱۹۱	۷۳۶۸۳۵۱	۱۰۴۴۱۲۲۸	۱۲۴۶۳۷۵۷	۱۷۳۵۵۳۳۵	۲۲۲۳۷۵۹۹	۴۲۵۹۰۷۲۵
میانگین هزینه کل	۱۵۵۸۵۹۲۲	۲۳۷۳۷۲۰	۶۰۹۹۴۸۴	۸۰۰۸۷۸۹	۱۰۱۸۰۹۹۰	۱۳۹۱۷۷۸۲	۱۷۵۲۹۳۳۹	۲۱۱۲۸۴۰۸	۲۶۵۰۸۷۶۷	۳۵۷۳۴۴۸۳	۶۱۲۰۷۶۵۳
شمار خانوار	۵۹۵	۱۱۵	۶۳	۴۵	۸۳	۸۲	۵۱	۴۱	۴۵	۳۸	۳۲

مأخذ: نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی - مرکز آمار ایران - ۱۳۷۸

جدول شماره (۱۵-ع) میانگین هزینه های خوراکی و غیر خوراکی و کل سالانه یک خانوار شهری در هر یک از گروه های هزینه در استان یزد (۱۳۸۱)

گروه های هزینه سالانه	میانگین کل	۷۲۰۰۰۰ ریال و کمتر	۷۲۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰ تا ۱۶۵۰۰۰۰۰	۱۶۵۰۰۰۰۰ تا ۱۹۵۰۰۰۰۰	۱۹۵۰۰۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰ تا ۴۵۰۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال و بیشتر
میانگین هزینه های خوراکی و دخانی	۷۴۷۴۶۳۷	۱۵۳۲۶۱۰	۲۹۴۴۰۲۸	۳۳۵۴۳۶۸	۴۵۳۱۵۰۹	۵۷۷۵۵۴۵	۶۰۰۳۸۶۲	۷۵۱۵۵۹۵	۹۳۳۸۰۰۰	۱۳۰۴۳۴۶۴	۱۵۶۴۸۹۱۸
میانگین هزینه های غیر خوراکی	۲۲۰۳۴۹۱۶	۱۴۷۷۸۵۱	۵۳۱۰۶۸۸	۷۲۲۱۵۱۷	۹۶۸۵۷۵۰	۱۱۹۶۹۰۶۲	۱۴۷۸۱۱۶۲	۱۸۸۱۶۹۷۲	۲۶۱۹۷۷۷۰	۳۶۴۴۹۰۲۵	۷۹۱۹۶۳۷۵
میانگین هزینه کل	۲۹۵۰۹۵۵۳	۳۰۱۰۴۶۱	۸۲۵۴۷۱۶	۱۰۵۷۵۸۸۵	۱۴۲۱۷۲۵۹	۱۷۷۴۴۶۰۷	۲۰۷۸۵۰۲۴	۲۶۳۳۲۵۶۷	۳۵۵۳۵۷۷۰	۴۹۴۹۲۴۸۹	۹۴۸۴۵۲۹۳
شمار خانوار	۵۲۵	۳۵	۱۸	۳۷	۷۱	۵۱	۶۷	۵۰	۹۹	۵۵	۴۲

مأخذ: نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری - مرکز آمار ایران - ۱۳۸۱

جدول شماره (۸-۱۶) میانگین هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی و کل سالانه یک خانوار روستایی بر پایه گروه‌های هزینه در استان یزد (۱۳۸۱)

گروه‌های هزینه سالانه	میانگین کل	۵۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۷۲۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰	۱۶۵۰۰۰۰	۱۹۵۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰
	ریال	ریال	ریال	ریال	ریال	ریال	ریال	ریال	ریال	ریال	ریال
	و کمتر	۷۲۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰	۱۶۵۰۰۰۰	۱۹۵۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰	و بیشتر	
میانگین هزینه‌های خوراکی و دخانی	۷۲۷۵۴۵۶	۱۰۷۹۷۵۸	۲۹۲۰۹۲۳	۳۶۱۶۴۴۴	۴۷۲۸۳۸۳	۶۵۷۴۳۵۵	۶۴۴۶۶۰۸	۷۸۴۷۴۵۱	۱۰۳۲۸۴۷۹	۱۲۷۷۳۸۹۹	۱۹۵۰۰۴۷۲
میانگین هزینه‌های غیر خوراکی	۱۲۴۷۳۹۱۶	۶۱۲۴۴۲	۳۲۰۷۲۳۰	۴۳۹۴۵۴۶	۵۶۸۶۱۴۹	۷۵۹۹۱۱۱	۱۱۰۳۱۷۱۵	۱۳۳۹۱۵۷۶	۱۵۹۱۲۸۶۷	۲۲۳۹۳۹۹۹	۵۰۰۷۳۱۷۰
میانگین هزینه کل	۱۹۷۴۹۳۷۲	۱۶۹۲۲۰۰	۶۱۲۸۱۵۳	۸۰۱۰۹۹۰	۱۰۴۱۴۵۳۲	۱۴۱۷۳۴۶۶	۱۷۴۷۸۳۳۳	۲۱۲۳۹۰۲۷	۲۶۲۴۱۳۴۶	۳۵۱۶۷۸۹۸	۶۹۵۷۳۶۴۲
تعداد خانوار	۷۵۵	۱۳۶	۶۳	۳۰	۸۱	۱۰۰	۴۸	۶۱	۷۹	۹۷	۶۰

مأخذ: نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی- مرکز آمار ایران- ۱۳۸۱

منابع

آذربایجان غربی (۱۳۷۶-۱۳۵۶)، ارومیه: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی.

- سام آرام، عزت‌ا... ۱۳۷۵. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

- شادپور، کامل. ۱۳۷۵. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

- عابدی، علی. ۱۳۸۱. اندازه‌گیری و تحلیل خط فقر و توزیع درآمد در استان آذربایجان شرقی. آذربایجان شرقی (تبریز): سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی.

- قره‌باغیان، مرتضی. ۱۳۷۳. اقتصاد رشد و توسعه. تهران: نشر نی.

- کرباسیان، مهدی. ۱۳۷۵. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

- کیبانی، منصور. ۱۳۸۱. اندازه‌گیری و تحلیل خط فقر در استان کردستان. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

- گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۱-۲۰۰۰ بانک جهانی. ۱۳۸۱. مبارزه با فقر، ترجمه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

- ادیبی سره، مهدی. ۱۳۷۵. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

- استوارت، فرانسیس. ۱۳۷۶. تعدیل اقتصادی فقر، گزینه‌ها و انتخاب‌ها، ترجمه علی دینی و سیامک استوار، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

- اصغرزاده، عبدا... ۱۳۷۵. نقش الگوی مناسب و متعادل مصرف خوراک در امحاء فقر شهری (فقرزدایی). در تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

- تودارو، مایکل. ۱۳۸۳. توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه علی فرجادی، چاپ اول ۱۳۸۲، تهران: انتشارات کوهسار.

- رشیدی، علی. ۱۳۷۵. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

- زیارتی، کرامت‌ا... ۱۳۷۵. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

- زیدی، راضیه. ۱۳۷۹. تبیین خط فقر و توزیع درآمد در استان